

سیاست خاورمیانه‌ای بریتانیا در دوره پسابرگزیت مطالعه موردی: خلیج فارس

علی محمدیان*

احمد نقیب‌زاده**

چکیده

پیروزی شگفتی‌ساز حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در فروردین ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶، از پیچیده‌ترین بحران‌های سیاسی لندن در نیم‌قرن گذشته بود که در کوتاه‌مدت موجب تمرکز دولت بریتانیا بر طیف گسترده‌ای از مسائل و موضوعات مرتبط با اهداف و ایده‌های پسابرگزیتی شد. از آنجایی که طرح «بریتانیای جهانی» یکی از مؤلفه‌های کلیدی و مورد تأکید کنونی در سیاست خارجی لندن است، بریتانیا از طریق قدرت نرم خود درصدد ایجاد تغییرات اساسی در فعالیت‌ها و برنامه‌های خویش خواهد بود. قدر مسلم آنکه با تغییرات احتمالی در سیاست خارجی بریتانیا در دوره پسابرگزیت، این کشور چاره‌ای جز تحکیم و تداوم اتحاد سنتی خود با خلیج فارس نخواهد داشت. به این ترتیب، آینده روابط بریتانیا با خلیج فارس یکی از موضوعات قابل توجه در محافل سیاسی امروز به شمار می‌رود. بر این اساس، هدف مقاله حاضر تحلیل سیاست بریتانیا در قبال خلیج فارس در دوره پسابرگزیت با تأکید بر رویکرد آینده‌پژوهی و پاسخ به این سؤال بوده است که «سناریوهای محتمل در روابط بریتانیا و خلیج فارس در دوره پسابرگزیت به چه صورت خواهد بود؟» با بررسی پیشینه بریتانیا در خلیج فارس و استفاده از سناریونویسی، آینده سیاست خارجی بریتانیا در خلیج فارس را می‌توان دربرگیرنده عوامل سیاسی، اقتصادی، امنیتی و انرژی برشمرد. نتایج تحقیق پیش‌رو بیانگر این امر بوده است که با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، حضور لندن در خلیج فارس بر پایه یک استراتژی و حرکت بر مبنای الزامات بلندمدت در راستای ایجاد ثبات و فرصت‌های اقتصادی بر اساس مجموعه‌ای از رفتارهای جمعی در جهت توسعه اهداف استراتژیک بلندمدت در دوره پسابرگزیت خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: بریتانیا، پسابرگزیت، خلیج فارس، امنیت، انرژی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری دانشجو علی محمدیان با عنوان «سیاست خاورمیانه‌ای بریتانیا در دوره پسابرگزیت» با راهنمایی دکتر احمد نقیب‌زاده است.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ir_a.mohammadian@yahoo.com

** استاد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ANAGHIB@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: زمستان ۹۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۵

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۱-۱۰۱

مقدمه

خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطقی است که به دلایلی از جمله ذخایر عظیم نفت و گاز همواره محور توجه کشورهای غربی از جمله بریتانیا بوده است. خلیج فارس در طول فرایندی تاریخی با توجه به متغیرهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و موقعیت ارتباطی به‌عنوان سیستمی از سیستم بین‌الملل پا به عرصه حیات نهاده و به دلایل کارکردی از جمله تأمین انرژی سایر سیستم‌های تابعه موجود، به‌ویژه سیستم‌های تابعه اصلی و مرکزی همواره بر اهمیت آن افزوده شده است. به همین سبب پیوند مستحکمی بین خلیج فارس و سیستم بین‌المللی، به‌ویژه بخش کنترلی آن وجود دارد و نظم منطقه‌ای آن ارتباط مستقیمی با نظم و ساختار جهانی دارد (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷، ص ۱). این منطقه از مهم‌ترین سیستم امنیتی انرژی در جهان به شمار می‌رود که از نظر جغرافیایی بین دریای مازندران، دریای عمان، دریای عرب و دریای سرخ قرار دارد و از مصب اروندرود که خود از پیوستن کارون و دجله و فرات به وجود آمده تا شبه‌جزیره «مسندم» در عمان امتداد و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط دارد (الهی، ۱۳۸۷، ص ۷). طول خلیج فارس در حدود ۸۶۵ کیلومتر و عرض آن ۳۷۰ کیلومتر است. این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی (ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، فجیره، ام‌القوین، رأس الخیمه) و عمان است که ساختار ژئوپلیتیکی آن را بر اساس ترکیبات فرهنگی شکل می‌دهد. ایران پرجمعیت‌ترین کشور منطقه است که نیمی از جمعیت منطقه‌ای در آن زندگی می‌کند، شیخ‌نشین‌های کوچک جمعیت اندکی دارند و به لحاظ تاریخی

امنیت آن‌ها به قدرت‌های منطقه‌ای یا خارجی وابسته بوده است. با توجه به این ویژگی‌ها، خلیج فارس به‌عنوان بخشی از خاورمیانه مدل ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی را تشکیل می‌دهد (Sokolsky, 2003). ساختار قومی، فرهنگی و مذهبی خلیج فارس عمیقاً تقسیم شده است. آشکارترین شکاف بین شیعیان و سنی‌ها و همچنین بین ایران و کشورهای عرب سنی است که نوعی از رقابت را در منطقه شکل داده است. علاوه بر رقابت‌های مذهبی، در ابعاد اقتصادی و نظامی نیز رقابت‌های شدیدی در منطقه وجود دارد. از دهه‌ها پیش، مثلث «ایران-عراق-عربستان» منطقه اصلی رقابت‌ها بوده است و در شکل دادن به امنیت منطقه نقش مهمی را ایفا می‌کند. این مثلث را قدرت‌های جهانی، در ابتدا بریتانیا و بعداً آمریکا و شوروی شکل داده‌اند.

با پیروزی کمپین خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در فراندوم ژوئن ۲۰۱۶، تکاپوهای لندن با تکیه بر «الگوی بریتانیای جهانی» در خصوص ارائه راه‌حل‌های گوناگون برای مقابله با مشکلات احتمالی در دوره پسابرجزیت آغاز شد و خاورمیانه به‌عنوان یکی از مناطق مهم مورد توجه بریتانیا قرار گرفت. در این میان، حساسیت بریتانیا به خلیج فارس به‌عنوان یکی از مناطق باارزش خاورمیانه به دلایلی مانند سابقه حضور خود در آن منطقه، خروج احتمالی آمریکا و ویژگی‌های خاص آن افزایش یافت و عدم قطعیت‌های فراوانی را در خصوص تقویت و تداوم حضور در آن منطقه پیش روی محققان قرار داد. افزایش حضور سیاسی و نظامی بریتانیا در خلیج فارس که احتمالاً منافع و جایگاه ایران را در منطقه تحت تأثیر قرار خواهد داد یکی از دغدغه‌های اصلی محققان سیاست خارجی و سیاست‌گذاران داخلی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که «سناریوهای محتمل در روابط بریتانیا و خلیج فارس در دوره پسابرجزیت کدام‌اند؟» فرضیه پژوهش این است که «در حال حاضر بریتانیا پس از ایالات متحده دومین قدرت غالب در خلیج فارس به‌شمار می‌رود و درصدد است تا ضمن تداوم همکاری با آمریکا و بازگشت به خلیج فارس فعالیت‌های خود را در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی دنبال کند».

شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و استفاده از متون اینترنتی به زبان فارسی و انگلیسی بوده است؛ ولی کوشش شده تا از منابع غیرفارسی استفاده بیشتری شود. با توجه به نگاه پرسش بالا، رویکرد آینده‌پژوهی و از میان روش‌های متعدد آن، سناریونویسی از روش‌هایی است که برای بررسی موضوع از آن استفاده خواهد شد. مقاله حاضر در چهار بخش سازمان‌دهی شده است: در بخش نخست با توجه به موضوع تحقیق به آینده‌پژوهی در چهارچوب نظری پرداخته می‌شود. از آنجایی که موضوع تحقیق ریشه در تاریخ دارد؛ در بخش دوم ریشه‌های روابط تاریخی دو طرف بررسی می‌گردد و در بخش سوم سناریوهای محتمل و در پایان، نتایج حاصل از تحقیق ارائه خواهد شد.

۱. روش پژوهش

۱-۱. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی به توصیف، توضیح و ارائه دید وسیع از پدیده‌های اجتماعی و فرایندهای متغیر و توسعه حوزه‌های مختلف بشری می‌پردازد. این روش، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف را برای بررسی و مطالعه آینده مطرح و با استفاده از آن‌ها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید؛ آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (ناصرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۵). هدف آینده‌پژوهان ابداع یا استخراج، بررسی، ارزیابی و در انتها ترسیم تصویری روشن از سه آینده است: ۱- آینده مطلوب، به معنای در نظر گرفتن مطلوب‌ترین رویدادها برای وقوع در آینده. ۲- آینده محتمل، یعنی در نظر گرفتن رویدادهایی که بیشترین احتمال را برای وقوع در آینده دارند؛ این رویدادها می‌توانند به‌صورت بسط روندهای گذشته در آینده، به طرق مختلف در نظر گرفته شوند. ۳- آینده ممکن؛ یعنی در نظر گرفتن تمامی رویدادها اعم از بد، خوب، محتمل یا ضعیف‌الامکان که می‌تواند در آینده اتفاق بیفتد (مظفری، ۱۳۸۸، ص ۳۵). متخصصان آینده‌پژوهی روش‌های متعددی برای این رشته ارائه داده‌اند. «اساکول» (۱۳۸۴) سناریونویسی را به‌عنوان یکی از این روش‌ها برشمرده است که در مقاله حاضر از سناریونویسی

به منظور درک الزامات آینده رابطه ویژه معرفی می‌شود.

۲-۱. سناریونویسی

سناریو شیوه‌ای برای مطالعات آینده است که در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها، مدیریت شرکت‌ها و تحلیل‌های نظامی نقش مهمی ایفا کرده و به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا بتواند عدم قطعیت‌های پیش رو را مدیریت نمایند (Mietzner & Rege, 2005). سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند، بلکه به ما کمک می‌نمایند تا در شرایط محیطی متفاوت به آینده بیندیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده پردازیم (Makridakis & Wheelwright, 1989, p 215). هدف سناریو پیش‌بینی نیست و تفاوت‌های زیادی با روش‌های سنتی در این خصوص دارد. از تفاوت برنامه‌ریزی سنتی سناریو با روش‌های سنتی و قدیمی می‌توان به تمرکز بر متغیرهای کیفی، تأکید بیشتر بر روندها، تفکر خلاق و چندگانه، آینده باز و محدود نکردن جایگزین‌ها در سناریونویسی اشاره کرد (Vreeker, 2008, p 43). «کان و واینر» (۱۹۶۷) سناریو را ساخت مجموعه‌ای از رویدادهای فرضی برای متمرکز کردن توجه به فرآیندهای علی و تصمیم‌گیری برای آینده می‌دانند (Kahn & Winer, 1967, p 9) که بر اساس فرضیات مشخص و با سه ویژگی اصلی «تکرارپذیری»، «توجیه‌پذیری عقلانی» و «منطق دانش‌بنیان» صورت می‌گیرد (Nassauer & Corry, 2004, p 348). قبل از طراحی سناریوها، باید برخی از ویژگی‌هایی که موجب دقت بر پژوهش خواهد شد، مدنظر قرار گیرد؛ از جمله اینکه: امکان وقوع داشته باشد؛ مسیری منطقی و قابل قبول از حال و آینده را ترسیم کند؛ به توصیف روابط علت و معلولی بپردازد؛ بر امر تصمیم‌گیری متمرکز باشد؛ به چالش‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها و نیازهای آینده توجه کند؛ با گذشته کاملاً بی‌ارتباط نباشد؛ از نظر ساختاری و کیفی از یکدیگر متمایز باشد و تمام سناریوها دارای احتمال وقوع برابر باشند؛ به طوری که مجموعه سناریوها طیف وسیعی از عدم قطعیت‌ها را پوشش دهند و سناریوهای ساخته شده قابل‌باور باشند (نیوری‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

برای تدوین سناریو ابتدا باید پس از تصور رویدادهایی در وضعیتی مشخص

که احتمال رخ دادن در آینده دارد، سعی کرد سناریوهای احتمالی برای به تصویر کشیدن چندوچون وقوع این رویدادها تدوین کرد (کورنیش، ۱۳۸۸). ساخت سناریو زمانی به حداکثر اثربخشی خواهد رسید که به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای وسعت بخشیدن به افق دید و طرح پرسش‌های جدید و به چالش کشیدن تفکر رایج به کار گرفته شود (7: Greeuw, et al, 2000).

۲. پیشینه بریتانیا در خلیج فارس

در اوایل قرن هجدهم، بریتانیا مناطق وسیعی از خلیج فارس را زیر سلطه خود قرار داد. در آن دوره منافع امپراتوری، اقتصادی و محدود به تجارت و مقابله با رقبای اروپایی از طریق «شرکت هند شرقی بریتانیا»^۱ بود. با افزایش تجارت بین هند، شرق آفریقا و خلیج فارس، بریتانیا درصدد تضمین امنیت مثلث تجاری و حضور در بازارهای خارجی برآمد و در این زمینه از روش‌های متعددی همچون افزایش وابستگی اعراب به شرکت هند شرقی و پس از آن به خود بریتانیا با هدف افزایش نفوذ سیاسی لندن در خلیج فارس بهره جست. در اواخر دهه ۱۷۹۰، با ورود ناپلئون به منطقه و تأثیر بر معادلات سیاسی، کشتی‌های بریتانیا مورد حمله قرار گرفتند (Belgrave, 1966). لندن معتقد بود که «قواسیم»^۲، خانواده حاکم شارجه و رأس‌الخیمه در پشت این حملات قرار دارند؛ بنابراین به‌واسطه شرکت هند شرقی درصدد امضای قرارداد دفاعی و حل‌وفصل مشکل با قواسیم برآمد که بیانگر علاقه‌مندی لندن به نفوذ در خلیج فارس و همکاری با قواسیم بود؛ پس از دو دور مذاکره (در مسقط و بندرعباس) در سال ۱۸۰۶ معاهده‌ای بین طرفین منعقد شد که از بازگشت صلح به خلیج فارس و پشتیبانی از کشتی‌ها و دارایی‌های بریتانیا در کرانه‌های قواسیم حمایت می‌کرد (Atchinson, 1909) و موجب تقویت جایگاه مسقط در سیاست خارجی بریتانیا و شکل‌گیری رابطه‌ای خاص بین طرفین گردید. بریتانیا تا اوایل قرن نوزدهم هیچ‌گونه رابطه تجاری با دیگر اعراب نداشت؛ زیرا بازرگانان بریتانیایی به دلیل وجود دزدان دریایی از ورود به این مناطق اجتناب می‌کردند (Low, 1877).

1. The British East India Company

2. Quasim

با حمله مجدد به کشتی‌های لندن در سال ۱۸۱۲ ناوگان بزرگی برای مقابله با دزدان دریایی اعزام و پس از یک مبارزه طولانی، با نابودی کشتی‌ها، مقرهای اصلی و مردمان قواسیم در سال ۱۸۲۰ به پایان رسید. این عملیات به امضای معاهده سال ۱۸۲۰ ضد دزدان دریایی، تحت عنوان پیمان صلح عمومی و تحمیل اهداف بریتانیا بر اعراب، قواسیم و سایر حاکمان امارات متحده عربی امروزی منجر شد که بر اساس آن بریتانیا اجازه یافت در هر تحولی که در خلیج فارس اتفاق بیفتد، مداخله کند. به گونه‌ای که با ورود به اختلافات طرفین در امارات عربی در سال ۱۸۳۵، آنان را مجبور به امضای قرارداد ترک مخاصمه جدید میان اعراب متصالح نمود و با هدف تثبیت سلطه خود، به انعقاد پیمان صلح جاویدان با شیوخ عرب دست زد (ویلسون، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴) از آن به بعد سواحل جنوبی خلیج فارس که به «ساحل دزدان دریایی» معروف بود به «سواحل متصالح» مشهور شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۳). به این ترتیب پیمان صلح عمومی آغازگر حضور بی‌نهایت نیروی دریایی بریتانیا و استیلا بر تمامی شئون حیات سیاسی، اقتصادی و نظامی در خلیج فارس بود که با کنترل حمل‌ونقل دریایی، شیوخ و رؤسای قبایل را به انگیزه مهار کردن شبه‌جزیره عربستان و کرانه‌های خلیج فارس از دید سیاسی، به دست‌نشانده خود در منطقه مبدل کرد (وثوقی، ۱۳۸۴، ص ص ۴۰۴-۴۰۶).

پس از پیمان صلح عمومی و نگرانی از امور خلیج فارس و تهدیدهای روسیه، بریتانیا با شعار «آرامش بر دریاها» در پی قراردادی دوجانبه با شیوخ سواحل جنوبی بود تا اینکه با تصویب آن در سال ۱۸۵۳ حاکمان محلی را به موافقت با ایجاد سیستم دریایی مجبور کرد. آنچه به‌عنوان معاهده دریایی شناخته می‌شود نتایج امضای قراردادهای بریتانیا با حاکمان کشورهای امارات متحده عربی امروزی (۱۸۲۵)، بحرین (۱۸۶۱)، کویت (۱۸۹۹) و قطر (۱۹۱۶) بود که به‌طورجدی و فعالانه زمینه مداخله و حضور بریتانیا را در منطقه فراهم ساخت. علاوه بر این، بریتانیا در زمینه‌های دیپلماتیک (داوری و حل‌وفصل اختلافات بین حاکمان) نیروی دریایی (دفاع از شیخ‌نشین‌ها و افراد آنان در مقابل حملات دریایی) و نظامی (در دفاع از قلمروهای سرزمینی) منطقه، مداخله و مشارکت می‌کرد. با توجه به

حمایت‌های حاکمان از حضور بریتانیا در خلیج فارس، لندن داعیه زیادی برای تحکیم و توسعه روابط سیاسی خود با ساکنان سواحل شرقی عربستان داشت و با انعقاد پیمان‌نامه‌های مختلف در طی سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۶ متعهد به دفاع از تمامیت ارضی آن‌ها شد. حاکمان خلیج فارس نیز با واگذاری کنترل امور خارجی خود به بریتانیا متعهد شدند که هیچ بخشی از سرزمین‌های خود را جز به بریتانیا اعطا نکنند (Trip, 2000, p14). از آنجایی که حاکمان کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و گاه مسقط وسیله‌ای برای دفاع از حوزه‌هایشان نداشتند، مجبور به جلب حمایت‌های خارجی بودند. این امر سرآغاز روابط دفاعی بریتانیا با اعراب خلیج فارس به شمار می‌آمد. این وابستگی در زمینه‌های تجاری، دفاعی و حتی اجتماعی، آنان را به دولت‌های تحت‌الحمایه بریتانیا تبدیل کرد و به این ترتیب از اواخر قرن نوزدهم، نفوذ بریتانیا در منطقه افزایش یافت. با آغاز قرن بیستم و تضعیف شدید امپراتوری عثمانی، بریتانیا با هدف تثبیت سلطه‌گری خود در سال ۱۹۱۳ طی امضای قراردادی با امپراتوری عثمانی آن‌ها را از هرگونه ادعایی نسبت به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس (به‌ویژه قطر، عمان و بحرین) بر حذر داشت و با پذیرش روسیه، آلمان و فرانسه، انحصار بریتانیا بر خلیج فارس تکمیل شد. متعاقب جنگ جهانی اول و انحلال امپراتوری عثمانی، در این دوره هیچ‌یک از قدرت‌های منطقه‌ای و خارجی قادر به تضعیف موقعیت بریتانیا در خلیج فارس نبودند (Only, 2009).

وقوع بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ و خروج نیروهای بریتانیا و فرانسه از مصر و تحولات استقلال‌طلبانه پس از آن و انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ موجب فروپاشی امپراتوری بریتانیا در خلیج فارس در سال ۱۹۶۱ شد. با بیانیه «ویلسون» در ژانویه ۱۹۶۸ مبنی بر ناتوانی لندن در تأمین هزینه نیروهای کشورش در خلیج فارس، خروج نیروهای بریتانیایی شروع و در سال ۱۹۷۱ دوره طولانی‌مدت نظم بریتانیایی بر خلیج فارس، در ظاهر خاتمه یافت که با خشم رئیس‌جمهور آمریکا و دیگر مقامات آن کشور روبه‌رو گردید؛ زیرا در آن زمان آمریکا در ویتنام درگیر بود و توانایی تأمین نیروی نظامی لازم را برای پر کردن خلأ امنیتی ایجادشده در خاورمیانه

نداشت؛ بنابراین، آن را خیانت بزرگی در حق ایالات متحده محسوب کردند؛ اما «هیث» در پاسخ به این نگرانی‌ها گفت: «بیرون رفتن نظامیان ما، بدان معنی نیست که دیگر توجهی به این منطقه بسیار حائز اهمیت نداریم. ما فقط مناسبات خود را با زمامداران دولت‌های عرب، امروزی‌تر کرده‌ایم» (دلدم، ۱۳۶۳: ۲۲۷). در دهه ۱۹۸۰ با تشدید جنگ سرد، بریتانیا دریافت که خطرهای امنیتی صرفاً از ناحیه شوروی و بلوک شرق نیست؛ بلکه منازعات و درگیری جهان سوم نیز ممکن است بر موقعیت این کشور تأثیر بگذارد. بر این اساس با دو انگیزه امنیتی و جلب نظر منافع اقتصادی در منطقه، مجدداً تصمیم گرفت نقش فعالی را در سیاست‌های داخلی خلیج فارس ایفا کند (خالوزاده، ۱۳۸۴، ص ۴۱).

در دهه ۱۹۹۰، بریتانیا مجدداً نقش خود را در خلیج فارس با شرکت در ائتلافی علیه صدام (۱۹۹۱) به نمایش گذاشت. پس از آن به دنبال اتفاقات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا و ائتلاف به افغانستان و عراق نقش و نفوذ بریتانیا در خلیج فارس گسترده‌تر شد که به حضور مجدد بریتانیا در منطقه از طریق تداوم روابط ویژه با آمریکا و همکاری‌های سیاسی و نظامی گسترده دو طرف در خلیج فارس انجامید. بریتانیا با هدف دسترسی به منابع انرژی، امنیت و بزرگ‌نمایی شعار حقوق بشر در این منطقه گام نهاد تا ثبات و امنیت رژیم‌های حامی را تضمین نماید.

مبارزه با نیروهای رادیکال و گروه‌های افراط‌گرای اسلامی که تهدیدی جدی برای منافع بریتانیا در خاورمیانه به شمار می‌رفتند از دیگر برنامه‌های سیاست خارجی لندن در دوره پس از جنگ سرد است.

۳. سناریوهای محتمل سیاست بریتانیا در خلیج فارس در دوره پسابرجزیت

در این بخش سناریوهای محتمل برای سیاست بریتانیا در خلیج فارس در دوره پسابرجزیت بر اساس محورهای ذیل بررسی می‌شود:

۱-۳. افزایش مشارکت و حضور بریتانیا خلیج فارس

افزایش مشارکت و حضور بریتانیا در خلیج فارس را می‌توان در دو قالب سیاسی و نظامی به شرح ذیل بررسی نمود:

۳-۱-۱. سیاسی

سیاست بریتانیا با کاهش حضور مستقیم در خاورمیانه پس از ۱۹۷۰، شکل دیگری به خود گرفت؛ ولی همچنان به صورت غیرمستقیم، از جمله شرکت در حملات علیه عراق، افغانستان و... در این منطقه حضور داشت. روابط بریتانیا با خلیج فارس تا ۲۰۱۰، بیشتر به روابط اقتصادی و تجاری حول محورها، سیاست‌ها و اهداف اتحادیه اروپا و آمریکا متمرکز بود؛ اما با به قدرت رسیدن «کامرون»، طرحی موسوم به «ابتکار خلیج فارس»^۱ ارائه شد که نشان‌دهنده ایجاد و تداوم روابط سیاسی قوی و افزایش فعالیت‌های نظامی و تجاری خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بود؛ به گونه‌ای که وزیر خارجه بریتانیا در سال ۲۰۱۰، اظهار کرد، کشورش درصدد است روابط دوجانبه خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس تقویت کند. به این ترتیب با تشکیل گروه‌های کاری، در ماه مه ۲۰۱۱، ایجاد روابط استراتژیک با همه دولت‌های خلیج فارس، تقویت امنیت منطقه‌ای و بهبود روابط تجاری، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی دنبال شد. این به معنای علاقه‌مندی لندن به خلیج فارس به‌عنوان بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر آن کشور برای تقویت روابط دوجانبه بین بریتانیا و بازارهای عمده در حال ظهور خلیج فارس بود که بر مشارکت تاریخی بریتانیا به‌عنوان بخشی از سیاست خارجی متمایز و بلندمدت لندن تأکید داشت (Foreign & Commonwealth Office, 2011, pp 7-19).

تغییر استراتژی آمریکا از جنوب غربی به شرق آسیا، کشورهای خلیج فارس را به تکاپو انداخت تا جایگزینی مناسب برای حضور آمریکا در منطقه بیابند. تا آنکه بحرین با چراغ سبز آمریکا به بریتانیایی‌ها پایگاه نظامی داد و زمینه بازگشت بریتانیا پس از چند دهه به خلیج فارس تقویت شد؛ اما تحولات بهار عربی در برخی از کشورهای خاورمیانه موجب تأخیر گسترده در این خصوص شد. بریتانیا به دلیل عدم پیش‌بینی نتایج بهار عربی تصمیمی به ورود مستقیم به این تحولات نداشت و قصد داشت با مداخله غیرمستقیم از سقوط رژیم‌های حامی جلوگیری کند. بحرین از کشورهایی بود که همچون دهه‌های ۱۸۰۰ به لحاظ تأمین امنیت،

1. ulf Initiative

وامدار لندن شده بودند. با دخالت گسترده بریتانیا در بحرین، تحرکات آن کشور با عنوان «بازگشت به شرق سوئز» مطرح شد. این بازگشت می‌توانست به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ درجه‌ای از ارتباط ژئوپلیتیکی استفاده شود؛ چراکه بریتانیا در تلاش بود آمریکا را در خصوص توانایی لندن برای ایجاد ابتکار عمل و همبستگی عمیق استراتژیک (دوجانبه و از طریق شورای همکاری خلیج فارس) با دولت منطقه خلیج فارس متقاعد نماید که در این صورت خواهد توانست با به‌کارگیری الگوی بریتانیای جهانی به‌عنوان «قدرت جهانی قابل اعتماد» دست یابد. با افزایش اهمیت خلیج فارس، لندن در استراتژی امنیت ملی و دفاعی سال ۲۰۱۵، از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان شرکای حیاتی در راستای ایجاد ثبات طولانی‌مدت، مقابله با تهدیدهای مستقیم از تروریسم، افراط‌گرایی، جرائم سازمان‌یافته و تأمین امنیت انرژی نام برد. پس از آن، برنامه‌ها و اهداف مطرح در استراتژی ۲۰۱۵ از طریق مشارکت گسترده لندن در خلیج فارس و توسط وزارتخانه‌های خارجه، دفاع و توسعه تجارت بین‌المللی دنبال شد.

با برگزاری فرماندوم ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶، خلیج فارس بیش از پیش مورد توجه دولت بریتانیا قرار گرفت و در سیاست خارجی آن کشور جایگاه ویژه‌ای یافت. دولت بریتانیا از همان ابتدا در صدد بود تا با به‌کارگیری الگوی بریتانیای جهانی، روابط خود را با کشورهای خلیج فارس بهبود بخشد.

جایگاه خلیج فارس و احتمال جبران کاستی‌های اقتصادی بریتانیا از طریق این منطقه در دوره پسابرجزیت موجب شد که «می» در رأس هیئتی، شخصاً در نشست شورای همکاری خلیج فارس حضور یابد و اظهار کند: «بریتانیا به خلیج فارس بازگشته و در همین چارچوب تعهدات امنیتی و دوستی دیرینه خود را با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تحکیم و تقویت خواهد کرد، بریتانیا طی ۲۰۰ سال بخشی از تاریخ شما بود و در قرن‌های پیش رو نیز با شما هستیم». او با اشاره به دو پایگاه دریایی «جیفر» و «مرکز آموزش نیروهای پیاده» در عمان گفت: «اکنون، بریتانیا بیش از هر زمان دیگری ناو جنگی، هواپیما و نیروی نظامی به منطقه خلیج فارس اعزام کرده است». (www.gov.uk, 2016) این اظهارات به معنای ارزشمندی خلیج فارس

برای بریتانیا در دوره پسابریگزیت بود و نشان داد که این کشور به دلیل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه و موقعیت دیپلماتیک، به‌عنوان یک بازیگر در منطقه باقی خواهد ماند و روابط تجاری و امنیتی دو طرف به‌عنوان مجموعه‌ای از برنامه‌های بریتانیا با هدف جلوگیری از ناکامی‌های اقتصادی پس از خروج از اتحادیه اروپا اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه، بریتانیا با تک‌تک کشورهای خلیج‌فارس دارای روابط دوجانبه است؛ اما از آنجایی که عربستان از متحدان اصلی آمریکا و غرب در طی دهه‌های گذشته بود و در جهان اسلام و در بین کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس از جایگاه و وزن سیاسی بالاتری برخوردار است، بیشتر مورد توجه بریتانیا قرار گرفته است و بریتانیا تلاش می‌کند این رابطه را با هدف حضور فعال‌تر خود در خلیج‌فارس در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی با اعراب و به‌ویژه عربستان از نظر کمی و کیفی برای دوره پسابریگزیت آماده نگه دارد و حتی با انعقاد قراردادهای دوجانبه به منافی بیش از سطح کنونی برساند که انجام چنین کاری نیازمند در دست گرفتن مؤلفه‌های خاصی از جمله برآوردن اهداف سیاسی رهبران کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس است.

۳-۱-۲. افزایش حضور نظامی

پس از ارائه طرح ابتکار خلیج‌فارس، ارتش بریتانیا تصمیم به حضور گسترده و قوی در خلیج‌فارس گرفت؛ اما نه به شیوه یک امپریالیست، بلکه درصدد بود تا هوشمندانه با امکانات، موافقت‌نامه‌های دفاعی و دوره‌های آموزشی این حضور را تداوم بخشد. به همین دلیل در اواخر ۲۰۱۲، کامرون با سفری به خلیج‌فارس استراتژی‌های متعددی را از جمله در بخش اقتصادی و فروش ۱۰۰ جنگنده «تایفون»^۱ به چند کشور خلیج‌فارس از جمله عربستان، امارات، عمان و امارات متحده عربی مورد توجه قرار داد که توسط شرکت «BAE SYSTEM» بر اساس قراردادی به ارزش شش میلیارد پوند تأمین می‌شد. پس از کامرون، وزیر دفاع نیز با سفر به بحرین، یک توافق‌نامه دفاعی با این کشور امضا کرد. این اقدامات دیدگاه احتمال مشارکت مستقیم بریتانیا را در تأمین امنیت منطقه خلیج‌فارس تقویت

1. typhon

ساخت؛ زیرا به‌صراحت به حضور دائمی نظامی خود در منطقه اشاره می‌کرد که بر اساس توافق‌نامه ۲۰۱۲ با بحرین صورت گرفته بود.

تصمیم بریتانیا برای ساخت دو ناو هواپیمابر جنگی به نام‌های «اچ.ام.اس.اچ. ملکه الیزابت» و «اچ.ام.اس.ملکه ویلز» و تجهیز آن‌ها با جنگنده‌های ضربتی با نقش چندگانه «اف ۳۵» آمریکایی هرکدام ۶۵ هزار تن که بزرگ‌ترین ناو خلیج فارس است، رشد جاه‌طلبی‌های بریتانیا را پس از خروج از منطقه نشان می‌دهد. با ارتقای روابط بریتانیا با دولت‌های جنوبی حاشیه خلیج فارس، این کشور در راستای امنیت و حمایت از طول عمر کشورهای خلیج فارس تعهد خود را با انعقاد توافق‌نامه‌های دفاعی با شورای همکاری خلیج فارس اعلام کرد که بر اساس آن، نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا و نیروی هوایی در خلیج فارس مستقر خواهند شد (Foreign Affairs Committee, 2017).

دولت بریتانیا در نخستین گزارش سالانه خود درباره استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۵ در دسامبر ۲۰۱۶، برنامه‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها از جمله، پایگاه دریایی بندر «مینا سلمان» در بحرین، پایگاه هوایی «المینهاد»^۱ در امارات متحده عربی و بندر «دوقم» در عمان را برای حضور نظامی دائمی و چشمگیر بریتانیا در خلیج فارس مورد توجه قرار داد. بر اساس این گزارش بریتانیا درصدد حضور نظامی خود را در خلیج فارس و اروپای شرقی از طریق افزایش نیرو و مأموریت‌های آموزشی کوتاه‌مدت افزایش دهد؛ زیرا بر اساس استراتژی امنیت ملی و بازنگری دفاعی ۲۰۱۵، بریتانیا باید اطمینان حاصل می‌کرد که خطوط دریایی حفظ خواهد شد و شریان‌های تجارت جهانی آزاد باقی خواهد ماند (HM Government, 2015). دیوید کامرون نیز در سال ۲۰۱۶ اظهار کرد: «همکاری ما (با کشورهای خاورمیانه) فقط در مورد تجارت و سرمایه‌گذاری نیست. ما در دفاع و امنیت نیز همکاری می‌کنیم. ما در لیبی و افغانستان همکاری می‌کنیم و در مورد همه مسائل جهانی باهم صحبت خواهیم کرد». وزیر امور خارجه بریتانیا نیز در دسامبر ۲۰۱۶ در نشست گفت‌وگوی منامه از افزایش شدید حضور نظامی

1. Al- minhad

کشورش در منطقه خبر داد و گفت: «هر بحرانی در خلیج فارس، بحرانی برای بریتانیا است و امنیت شما، امنیت ما است و منافع شما- نظامی، اقتصادی یا سیاسی- با منافع ما درهم تنیده است. بریتانیا در دوره پسابریگزیت حضور نظامی خود را در منطقه افزایش خواهد داد و نخستین حضور نیروی دریایی لندن در منامه پس از سال‌ها غیبت در سال ۲۰۱۶ اتفاق افتاد». (www.gov.uk)

«ترزا می»^۱ نیز در سخنرانی خود در نشست شورای همکاری خلیج فارس اذعان کرد: «بریتانیا در مقدمه هرگونه پروژه‌ای برای دفاع از ثبات و امنیت شرکایش در شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود. بریتانیا به منطقه خلیج فارس بازگشته است و در همین چارچوب تعهدات امنیتی و دوستی دیرینه خود را با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تحکیم و تقویت خواهد کرد... «نیروهای دفاعی بریتانیا»^۲ در خلیج فارس، آسیا، اقیانوس آرام و غرب آفریقا با هدف تمرکز بیشتر بر تلاش‌های دفاعی بریتانیا حضور خواهند داشت». او همچنین به متحدان خلیج فارس قول داد که لندن همچنان به گسترش توانمندی‌های نظامی خود در خلیج فارس ادامه می‌دهد و امیدوار است که هزینه‌های دفاع منطقه‌ای در آینده به ۳۲۰ میلیارد پوند برسد (May, 2016).

همان‌گونه که اشاره شد بریتانیا برای بازگشت حضور نظامی به منطقه استراتژی ویژه‌ای دارد؛ زیرا افزایش حضور نظامی در منطقه، لندن را قادر خواهد ساخت تا قدرت خود را فراتر از اقیانوس هند، آفریقا و آسیا به نمایش بگذارد و تلاش کند با تأسیس پایگاه‌های نظامی، پرسنل نظامی خود را با هدف‌های آموزشی و امنیتی در منطقه به کار گمارد. برخی از کشورهای بریتانیا در آن‌ها حضور گسترده‌ای دارد به شرح ذیل است.

۳-۱-۲-۱. بحرین

بحرین اهمیت نظامی ویژه‌ای برای بریتانیا دارد؛ زیرا موقعیت بحرین بین عربستان و ایران به لحاظ امنیت انرژی استراتژیکی است که برای حفاظت از خطوط

1. Theresa Mary May

2. BDS

حمل و نقل خلیج فارس و تأمین انرژی جهانی ضروری است. لندن معتقد است بحرین نقش مهمی در برنامه‌های دفاعی آن کشور ایفا کرده است؛ به گونه‌ای که در جریان عملیات «طوفان صحرا» علیه عراق در سال ۱۹۹۱ و جنگ علیه افغانستان از آن کشور حمایت و ۱۰۰ نفر را به افغانستان اعزام کرد. بر اساس گزارش «RUSI»، روابط دیپلماتیک بین بریتانیا و بحرین برای دستیابی به اهداف استراتژیک بریتانیا بسیار مهم است (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2013, p 85)؛ زیرا روابط و انگیزه بریتانیا با بحرین فراتر است از آنچه بریتانیا در دیگر کشورها دارد. لندن طی توافق‌نامه همکاری بین‌المللی در اکتبر سال ۲۰۱۲، دفاع از بحرین را بر عهده گرفت تا بر اساس آن چارچوبی برای فعالیت‌های حال و آینده دفاعی بحرین، از جمله آموزش را به منظور تقویت ثبات کل منطقه فراهم سازد (Committee on Arms Exports Control, 2013). از دسامبر ۲۰۱۲، حدود ۲۰ پرسنل دریایی در بحرین مستقر شدند که در زمینه مشارکت دوجانبه، فروش دفاعی، آموزش نیروی دریایی و پشتیبانی از عملیات مبارزه با تروریسم با هم همکاری دارند. بحرین به کشتی‌ها و نیروهای دریایی بریتانیا اجازه استفاده از آب‌های آن کشور را می‌دهد (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2013, pp 83-85). شاید جالب‌ترین حرکت تاکنون، توافق‌نامه بین دو کشور در دسامبر ۲۰۱۴ باشد؛ زمانی که اعلام شد بریتانیا و بحرین توافق‌نامه «تقویت و گسترش حضور نیروی دریایی بریتانیا در خلیج فارس» را امضا کرده‌اند و پس از آن «پرنس چارلز» ولیعهد بریتانیا در نوامبر ۲۰۱۶ پایگاه نظامی کشورش را در بحرین افتتاح کرد تا از طریق آن بریتانیا کشتی‌های جنگی بیشتری به سوی خلیج فارس اعزام کند.

بریتانیا دور از دید عموم مردم برای نیروی دریایی خود یک پایگاه نظامی دائمی در این کشور ایجاد کرده است که مسئولیت «اداره قرارگاه فرماندهی دریایی»^۱ را با هدف هدایت کشتی‌های مین‌روب و ناوچه‌های بریتانیایی مستقر در خلیج فارس به عهده دارد. ساخت این پایگاه از سال ۲۰۱۵ با هزینه ۱۵ میلیون پوندی و تأمین مالی بحرین آغاز شد (Merrill, 2015) که این امر به معنای تعهد نیروی دریایی

1. UKMCC

سلطنتی به خلیج فارس است (Allison, 2017). وزیر امور خارجه، در مراسم ساخت این پایگاه اظهار کرد: «آغاز ساخت پایگاه در بندر مینا سلمان نقطه عطفی در تعهد بریتانیا به منطقه است و به منظور تضمین حضور بریتانیا در شرق سوئز، همکاری با متحدان برای تقویت ثبات در خلیج فارس و فراتر از آن طراحی شده است» (HM Government, 2015). مقابله با داعش و گروهک‌های تروریستی تکفیری از اهداف اصلی این پایگاه عنوان شد که به گفته «هاموند» بزرگ‌ترین چالش دوران است. انتظار می‌رود این پایگاه محل استقرار «ناو هواپیما بر ملکه الیزابت»^۱ و «ناوشکن نوع ۴۵» (کشتی‌های مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده ضد هوایی که برای رزم هوایی تجهیز شده‌اند) باشد. بریتانیا نام این پایگاه را «جیفر» نامید و در نوامبر ۲۰۱۶ افتتاح شد. نام این پایگاه (اچ.ام.اس جیفر) برگرفته از پایگاه دریایی سابق این کشور در بحرین قبل از ترک خلیج فارس بوده است. بریتانیا که خود روزی بازیگر نخست منطقه بود به خوبی می‌داند که بدون احداث یک پایگاه دریایی توانایی نقش‌آفرینی مؤثری را نخواهد داشت. به عبارت دیگر، کشوری بازیگر اول منطقه خواهد بود که قدرت اول دریایی باشد؛ سپس درصدد استفاده بیشتر از موقعیت‌های بحرین در دوره پسابریگزیت خواهد بود.

۳-۱-۲-۲. امارات متحده عربی

نخستین توافق‌نامه دفاعی بین بریتانیا و امارات متحده عربی در دوره پس از جنگ سرد در ۱۹۹۶ به امضا رسید که شامل بزرگ‌ترین تعهدات بریتانیا در خارج از ناتو بود؛ اما به دلایل متعددی به سرانجام نرسید. با وجود این، امارات متحده عربی تنها کشوری بود که در عملیات حمایت از آزادی پایدار علیه افغانستان به سربازان ناتو اجازه استقرار داد (Embassy of the United Arab Emirates, 2016). پس از آن در سال ۲۰۰۹ نیز تفاهم‌نامه‌ای مبنی بر استفاده از پایگاه‌های هوایی امارات متحده عربی بین دو طرف به امضا رسید. در ۲۰۱۲ با سفر کامرون به خلیج فارس، امارات متحده عربی به تنهایی ۶۰ نوع هواپیما را به ارزش سه میلیارد پوند خریداری کرد که موجبات یک همکاری دفاعی مشترک بین بریتانیا و امارات متحده را تقویت

1. HMS Queen Elizabeth

نمود. کامرون در این زمینه گفت: «آنچه شما با ایالات متحده عربی می‌بینید، صرفاً یک برنامه برای فروش هواپیمای تایفون نیست، بلکه یک همکاری بزرگ و چشمگیر دفاعی است که می‌تواند به افزایش نیروهای بریتانیایی در پایگاه هوایی المینهاد منجر شود که دارای یک اسکادران برای هواپیمایی تایفون و مرکزی تدارکاتی برای جنگ در افغانستان بود» (Graham-Harrison, Emma, 2012). پایگاه هوایی المینهاد در امارات متحده عربی کلید حضور هوشمندانه بریتانیا قلمداد می‌شود و نیروی هوایی سلطنتی تلاش می‌کند از این پایگاه هوایی به‌عنوان پایگاهی در خارج از کشور استفاده نماید.

۳-۲-۱-۳. عمان

در سال ۲۰۰۱ عمان میزبان بزرگ‌ترین مانور نظامی بریتانیا بود. دو کشور روابط دفاعی محکمی دارند؛ به‌طوری‌که یک سرلشکر بریتانیایی همیشه در مسقط مستقر است و بر روابط دفاعی دو کشور نظارت می‌کند. روابط بریتانیا و عمان بیش از آنکه در بعد اقتصادی اهمیت داشته باشد در بعد نظامی گسترش یافته است. بریتانیا در ماه مارس ۲۰۱۶ تفاهم‌نامه‌ای در راستای تقویت روابط امنیتی با عمان امضا کرد که هدف آن، افزایش تمرینات و آموزش نظامی مشترک در عمان بود (Middle East Monitor, 2016). پس از آن، لندن مرکز فرماندهی جدیدی را در عمان افتتاح کرد که وظیفه هدایت نیروها را به عهده گرفت. اخیراً نیز پایگاه پشتیبانی لجستیک مشترکی را در بندر دوqm باز کرد که امکانات آموزشی دائمی و مرکز لجستیک نظامی را در آن ارائه می‌دهد. این پایگاه قابلیت‌های متفاوتی دارد و قادر است موقعیت مناسبی برای زیردریایی‌ها و هواپیماهای جدید بریتانیا فراهم کند. نیروهای بریتانیایی در پاییز ۲۰۱۸، با مشارکت ۴۵۰۰ نیروی بریتانیایی، تمرینات آموزشی مهم «شمشیر سریع ۳»^۱ را با نیروهای عمانی انجام دادند.

۳-۲-۱-۴. قطر

از سال‌ها پیش، بریتانیا به دنبال تقویت روابط امنیتی با قطر است. «مایکل فالون»،

وزیر دفاع در ژوئن سال ۲۰۱۶ در لندن با «خالد بن محمد العطیه» وزیر امور خارجه قطر دیدار کرد و همکاری در مبارزه با تروریسم و آموزش مشترک بین دو کشور را متعهد شد (Ministry of Defence, 2016). امروز، بریتانیا در قطر یک اسکادران نیروی هوایی سلطنتی در پایگاه هوایی «آلویدید» دارد و در ژوئیه ۲۰۱۸، یک واحد منحصربه‌فرد مشترک اسکاتلندی بریتانیایی-قطری (اسکادران شماره ۱۲) را تشکیل داده است که در قطر مستقر خواهد شد و نیروهای قطری را به‌طور موقت تشکیل می‌دهد.

۳-۱-۲-۵. عراق

از اکتبر سال ۲۰۱۴ با گسترده شدن حملات داعش، بریتانیا در عملیاتی با عنوان «شیدر» در ائتلاف هوایی علیه داعش شرکت کرد. در پایان سال ۲۰۱۶ وزارت دفاع بریتانیا خبر داد که کمک‌های آموزشی خود را با استقرار ۵۰ مربی نظامی دیگر در پایگاه هوایی «السادات» در غرب عراق برای مهارت‌های ضد انفجار، مهارت‌های پیاده‌نظام و آموزش پزشکی گسترش می‌دهد. همچنین در فوریه ۲۰۱۸ اعلام کرد: «... بریتانیا فعلاً برنامه‌ای برای افزایش نیرو ندارد. باین حال ما در حال بررسی این موضوع هستیم تا اطمینان حاصل کنیم آیا عراق تعداد نیروهای مورد نیاز برای حمایت از آموزش نیروهای عراقی را در اختیار دارد». تاکنون بیش از ۷۵ هزار نظامی عراقی و پیشمرگه گرد دوره آموزش نظامی را در پایگاه‌های «بسمایه»، «تاج» و «الاسد» طی کرده‌اند. به‌طورکلی امروز حدود ۱۳۵۰ نیروی نظامی بریتانیا در عراق و سوریه حضور دارند (Mills, 2018).

۴. همسویی بیشتر بریتانیا با آمریکا

با تضعیف بریتانیا در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، این کشور مجبور به خروج از خاورمیانه شد که به حاکم شدن قدرت ایالات متحده آمریکا بر این منطقه منجر گردید؛ اما این به معنای گسست قدرت نفوذ یا عدم مداخله بریتانیا در این منطقه از جهان نبود؛ بلکه در سال‌های پس از آن و به‌ویژه جنگ‌های خلیج فارس، جنگ ۲۰۰۱ علیه افغانستان، جنگ ۲۰۰۳ علیه عراق و ... فرصتی را

برای لندن فراهم ساخت تا به‌عنوان یکی از اعضای اصلی ائتلاف‌های آمریکا در خلیج فارس حضور پیدا کند که در نهایت با عدم دستیابی به اهداف مدنظر و تغییر در توازن منطقه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران، سیاست بریتانیا و به‌ویژه آمریکا در خصوص خاورمیانه با تغییرات جدی همراه شد. به‌گونه‌ای که دولت آمریکا با کاهش نیروهای نظامی در عراق از مداخلات نظامی جدید در مقیاس گسترده‌تر اجتناب کرد و بر اساس دکترین امنیت ملی آمریکا در دوره اوباما، با هدف تعادل دوباره در آسیا و اقیانوس آرام، تغییرات مهمی در سیاست خارجی آغاز شد (Shambaugh, 2013) و با هدف جلوگیری از تسخیر بازارهای جهانی توسط چین و تبدیل آن کشور به قدرتی بی‌بدیل، مرکز ثقل قدرت‌های بین‌المللی از خاورمیانه به پاسیفیک منتقل شد. علاوه بر این، آمریکا تلاش می‌کرد هزینه‌های حضور خود را در خاورمیانه کاهش دهد. این استراتژی تنها محدود به دوره ریاست جمهوری اوباما نبود، بلکه ترامپ نیز تلاش کرده تا با دنبال کردن این استراتژی، نگاه‌ها و برنامه‌های خود را به پاسیفیک معطوف سازد، به‌گونه‌ای که پیش از ورود به کاخ سفید به حرکتی پرمعنی دست زد و با تایپه تماس گرفت و «تر دوچین» را بر زبان آورد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۵). ترامپ در خصوص خاورمیانه نیز معتقد است که این منطقه باتلاق بزرگی است و ایالات متحده باید از آن دور بماند. (درج و آقایی، ۱۳۹۶، ص ۴۹) با وجود این، آمریکا نه‌تنها خلأ قدرت در خلیج فارس را مناسب خود نمی‌داند، بلکه تلاش می‌کند دولت‌های منطقه را در جهتی سوق دهد تا برای برنامه‌های آن کشور در سایر نقاط جهان مشکل یا مانع ایجاد نکنند؛ بنابراین با هدف دلجویی از متحدان عربی خود در خاورمیانه و خلیج فارس که از توافق‌نامه هسته‌ای با ایران ابراز نارضایتی و نگرانی کرده‌اند تلاش دارد تا از بسط حضور بریتانیا در خلیج فارس حمایت کند و این پیام را به آنان مخابره نماید که آمریکا از طریق بریتانیا نسبت به امنیت دوستان خاورمیانه‌ای خود متعهد و مسئول است.

حضور گسترده بریتانیا در خلیج فارس که از طریق سیاست‌های پاسیفیکی و تلاش‌های ویژه آمریکا صورت خواهد گرفت. لندن را در جهتی سوق خواهد داد تا با بازگشت به خلیج فارس و به‌عنوان یک هم‌پیمان همیشگی واشنگتن درصدد

رفع خلأها و پر کردن غیبت ایالات متحده در تأمین امنیت این منطقه برآید. بررسی روابط دو کشور نشان می‌دهد که بریتانیا در پی تداوم روابط ویژه خود با ایالات متحده در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها خواهد بود، زیرا قادر نیست بدون تداوم رابطه ویژه با آمریکا به نفوذ خود در خلیج فارس ادامه دهد؛ بنابراین تصمیمی برای رقابت با ایالات متحده به‌ویژه در خلیج فارس نخواهد داشت و تلاش می‌کند تا نقش مکمل آن را حداقل در کوتاه‌مدت ایفا کند. بریتانیا علاوه بر دنبال کردن برنامه‌ها، استراتژی‌ها و اهداف پس‌برگزیتی خود در خلیج فارس درصدد خواهد بود تا همسویی خود را با آمریکا تداوم و شدت بخشد و همکاری دو طرف در این منطقه نقطه عطفی برای تداوم روابط ویژه و همسویی در سایر عرصه‌ها باشد.

۵. کسب منافع اقتصادی و تجاری بالاتر

سیاست خارجی بریتانیا یک سیاست تجارت محور است و کسب منافع اقتصادی در صدر اولویت‌های سیاست خارجی قرار دارد. به همین دلیل، مهم‌ترین مبنای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری لندن در تعاملات خارجی به منافع اقتصادی و سود و زیان مالی بازمی‌گردد که بر ریل اقتصادی و منافع تجاری، صنعتی، مالی، تبادلات کشاورزی و انتقال اطلاعات استوار است. لندن به دلیل روابط حسنه خود در حوزه اقتصادی با کشورهای عربی از تغییر رهبران و دگرگونی‌های سیاسی در آن کشورها نگران است. پس از برگزاری رفراندوم، بسیاری از متحدان کلیدی بریتانیا در خصوص خطرات و پیامدهای خروج هشدار دادند؛ اما با توجه به اینکه کشورهای خلیج فارس در دهه‌های اخیر از مناطق پیشرو اقتصادی جهانی بوده‌اند و جهش خوبی در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری دارند مورد توجه بریتانیا قرار گرفته‌اند. بر این اساس، دولت در مقاله سفید خود در سال ۲۰۱۷ به رأی‌دهندگان و شرکای اصلی اطمینان داد که با خروج بریتانیا از اتحادیه فرصت‌های جدید و بزرگ‌تری برای لندن به‌عنوان قهرمان تجارت آزاد فراهم خواهد شد و بریتانیا همانند سابق در سطح بین‌المللی باقی خواهد ماند (Asthana, 2017). امروز تعاملات اقتصادی بریتانیا با خلیج فارس رو به رشد است و این فعالیت‌ها با هدف دستیابی به درآمد پولی بیشتر سیاست‌گذاری شده است.

همکاری‌های اقتصادی بریتانیا و کشورهای خلیج فارس در سه حوزه تجارت - معاملات تسلیحاتی - نفت و انرژی قابل بررسی است:

۵-۱. تجارت

لندن در تلاش برای تضمین معاملات تجاری جدید و به حداقل رساندن آسیب‌های اقتصادی یک برگزیت سخت است که ساده‌سازی روش‌های تجاری و کاهش هزینه‌های انجام کسب‌وکار از نکات ویژه و مورد توجه آن است. پس از برگزیت، بریتانیا با در صدر قرار دادن اولویت‌های اقتصادی به دنبال جایگزینی بازارهای قابل قبول است و برای گسترش همکاری با بازارهای نوظهور و متحدان اقتصادی سنتی خود تلاش‌هایی جدی را آغاز کرده است؛ زیرا خروج این کشور از اتحادیه اروپا الزاماتی را به وجود آورده است که بر مبنای آن اقتصاد این کشور باید برای بقا، ثبات و ارتقای خود به سمت بازارهای جدید و جایگزین کردن پیمان‌های دوجانبه حرکت کند. بریتانیا با هدف بهره‌مندی از موقعیت‌های شورای همکاری خلیج فارس به دنبال امضای معاهده تجاری جدید با آن‌ها در دوره پسابرجزیت است؛ زیرا اهمیت روابط اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس با توجه به موضوع برگزیت در حال افزایش است، بریتانیا در تلاش است تا تجارت و سرمایه‌گذاری داخلی را فراتر از اتحادیه اروپا گسترش دهد و موقعیت شهر لندن را به‌عنوان مرکز مالی جهانی برتر جهان حفظ کند و فرصت‌های اقتصادی را به بخش‌های جدید گسترش دهد، به همین دلیل ترزا می به تعامل اقتصادی با خلیج فارس تأکید زیادی داشت و در تلاش بود تا از طریق گفت‌وگو با هم‌تایان خود در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بتواند در دوره پسابرجزیت، راه را برای توافق تجاری جاه‌طلبانه هموار نماید (Aljazeera, 2016) که این امر پیش‌زمینه‌ای برای مذاکرات تجارت آزاد بود. طی بیانیه‌ای از سوی دفتر نخست‌وزیری بریتانیا و پیش از سفر می به خلیج فارس، دستیابی به توافق تجارت آزاد با کشورهای حوزه خلیج فارس از مهم‌ترین تصمیمات بریتانیا در دوره پسابرجزیت و مذاکرات وی اعلام شد. همچنین، منطقه خلیج فارس را به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در بریتانیا و دومین واردکننده غیراروپایی کالاهای بریتانیایی برشمرد. خانم می نیز پیش از ترک لندن در

جمع خبرنگاران گفت: «در هر شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، موقعیت های تجاری جذابی از انرژی گرفته تا آموزش، از زیرساخت گرفته تا سلامت وجود دارد و فرصت های همکاری در این زمینه را نباید از دست داد. در واقع تقویت مشارکت های اقتصادی فرصت هایی برای افزایش رشد صادرات و جریان سرمایه گذاری فراهم می کند. به منظور ساختن یک بریتانیای قوی و مستقل، احتمالاً بریتانیا از همکاری های اقتصادی پیشین خود با شرکای تجاری در خاورمیانه بهره می گیرد تا فرصت های سرمایه گذاری و حجم تجارت را از طریق توافقات تجاری چندجانبه و دوجانبه افزایش دهد» (May, 2017). کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی که به دنبال انعطاف پذیری در سیاست های اقتصادی خود هستند، به خوبی می توانند این اقدام را بر اساس سرمایه و روابط تاریخی خود با بریتانیا انجام دهند.

بریتانیا با توجه به روابط تجاری طولانی مدت خود، در جهت تقویت روابط اقتصادی خویش با شورای همکاری خلیج فارس است (Diala-McBride, 2018). تجارت دوجانبه کالا و خدمات بریتانیا و شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۴ به ۱۲,۹۵ میلیارد پوند؛ در سال ۲۰۱۵ به ۱۸,۹ میلیارد پوند (El-Idrissi, 2017) و در سال ۲۰۱۶ به ۲۸,۷۳ پوند رسید که حاکی از ابزارهای استراتژیک بریتانیا برای اعمال قدرت در خلیج فارس است (Doyle, 2017). بر اساس آمار دولت بریتانیا، منطقه خلیج فارس ۵۰,۸۳ میلیارد دلار از تجارت ۵۷,۱۹ میلیارد دلاری بریتانیا با خاورمیانه را به خود اختصاص داده است (Debusmann, 2019). با این توضیح، تقریباً یک سوم تجارت بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از آن بریتانیا است که در سال ۲۰۱۷ به ۱۶۲,۸ میلیارد دلار رسید (European Commission, 2018). با هدف بررسی بهتر موضوع در ادامه روابط تجاری کنونی بریتانیا با برخی از کشورهای خاورمیانه به شرح ذیل بررسی می شود.

۵-۱-۱. امارات متحده عربی

امارات متحده عربی بزرگترین بازار صادرات غیرنظامی بریتانیا در «منا»^۱ و

1. Middle East and North Africa (MENA)

دوازدهمین بازار در سطح جهانی است. این کشور دروازه ورود کالا به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. تجارت دوجانبه بریتانیا با امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۲ به چهار میلیارد پوند؛ در سال ۲۰۱۵ به ۱۲ میلیارد پوند و در سال ۲۰۱۷ به ۲۲,۷ میلیارد پوند رسید (Department for International Trade, 2018). دو کشور بنا دارند تا سال ۲۰۲۰، ارزش مبادلاتی بین خود را به ۲۵ میلیارد پوند در سال برسانند (British PM, 2016).

۵-۱-۲. جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد لندن با توجه به ظرفیت‌های ایران و امکان توسعه روابط تجاری با آن، تهران را به‌عنوان بخشی از استراتژی پسابرجزیتی خود در زمره طرف‌های مهم برای روابط تجاری با خود قرار داده است. در سال ۲۰۱۵ ارزش صادرات کالا و خدمات بریتانیا به ایران ۲۲۴ میلیون پوند بود و از ابتدای سال ۲۰۱۶ تا ماه نهم همان سال، صادرات بریتانیا به ایران رشدی ۴۲ درصدی داشته است (Erdbrink & Krauss, 2016).

۵-۱-۳. عربستان

مزایای اقتصادی عربستان یکی از دلایل عمده دولت‌ها برای تحقق بهبود روابط دوجانبه است. روابط تجاری بریتانیا با عربستان سهم بالایی از تجارت لندن با کشورهای خلیج فارس را به خود اختصاص می‌دهد. بریتانیا در سال ۲۰۱۵ به میزان ۷۳,۴ میلیارد پوند کالا و خدمات به عربستان صادر کرده است. در سفر ۲۰۱۷ ترزا می به ریاض با تقویت روابط دو کشور و اعلام آمادگی هیئت بریتانیایی با کمک به چشم‌انداز ۲۰۳۰، در ماه مه ۲۰۱۸ موافقت‌نامه تجاری به ارزش ۹۰,۲۹ میلیارد دلار بین طرفین امضا شد (Rose, 2019).

۵-۱-۴. قطر

قطر سومین بازار بزرگ صادرات بریتانیا در خاورمیانه و شمال آفریقا است. این کشور به‌عنوان تأمین‌کننده گاز بریتانیا و بازیگری فعال در سیاست خارجی لندن جایگاه ویژه‌ای دارد. قطر یکی از بزرگ‌ترین و بلندپروازانه‌ترین برنامه‌های

زیربنایی در جهان را در دست گرفته است؛ به طوری که پیش‌بینی می‌شود در ۱۰ سال آینده بیش از ۱۷۰ میلیارد پوند را در این خصوص به خود اختصاص دهد. صادرات بریتانیا به قطر از ۲,۶ میلیارد پوند در سال ۲۰۱۵ به ۳,۳ میلیارد پوند در سال ۲۰۱۶ و واردات آن ۱,۲ میلیارد پوند بود که مازاد تجاری آن ۱,۸ میلیارد پوند است. در سال ۲۰۱۶، قطر از کل صادرات بریتانیا ۰/۶ درصد را به خود اختصاص داده بود (Robinson, 2018).

۵-۱-۵. بحرین

بحرین از کوچک‌ترین بازارهای به شدت در حال رشد صادرات بریتانیا در خلیج فارس است که در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ افزایش ۳۹ درصدی تجارت را به خود اختصاص داده و مجموع تجارت دوجانبه کالا و خدمات آن به ۸۸۴ میلیون پوند در سال ۲۰۱۶ رسیده است (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2013).

۵-۲. سرمایه‌گذاری

درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز، کشورهای عربی را قادر ساخته است تا در سرمایه‌گذاری، گردش اقتصاد و امور جهانی شدن نقش منحصربه‌فردی ایفا کنند. امروزه سرمایه‌گذاران زیادی از قطر، عربستان، کویت و امارات متحده عربی در کسب‌وکار و اشتغال، املاک و مستغلات لندن فعال هستند (Fortune, 2016)؛ به گونه‌ای که حجم سرمایه‌گذاری‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس در بریتانیا بیش از ۱۵۰ میلیارد پوند است. با برگزاری رفراندوم ۲۰۱۶، بسیاری از شرکت‌های فعال خلیج فارس در املاک و مستغلات بریتانیا در خصوص دوره پسابرگزیت نگران بودند؛ زیرا باور داشتند که ارزش بخش املاک و مستغلات در دوره پسابرگزیت کاهش می‌یابد؛ بنابراین بریتانیا و دولت‌های خلیج فارس در تلاش‌اند تا بر توسعه سرمایه‌گذاری‌های گسترده در دوره پسابرگزیت متمرکز شوند. طرفین در «نشست منامه» در زمینه توافق‌نامه تجارت آزاد پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به گفت‌وگو پرداختند. برنامه‌های کاری از سوی بزرگ‌ترین

شرکت‌های بریتانیا برای دوره پسابرجزیت، حاکی از آن است که این شرکت‌ها مبلغ ۳۰ میلیارد پوند را در کشورهای عربی خلیج فارس سرمایه‌گذاری خواهند کرد. این سرمایه‌گذاری در ۱۵ بخش تجاری و طی بازه زمانی پنج ساله اجرایی خواهد شد. همچنین بریتانیا، برنامه خاصی را برای تقویت و آینده زیرساخت‌های کشورهای این منطقه از جمله زیرساخت‌های هوشمند و پایدار در نظر دارد که طبق برآوردها نیازمند ۲۵۰ میلیارد پوند سرمایه‌گذاری است (Middle East Monitor, 2017). در اوایل سال ۲۰۱۶ «اداره تجارت بین‌الملل بریتانیا»، کویت، قطر و امارات متحده عربی را به عنوان سرمایه‌گذارانی معرفی نمود که روابط تجاری خود را با بریتانیا برجسته کرده‌اند (Department for International Trade, 2017). در آوریل ۲۰۱۷، «ویلیام فیکس»^۱، در یک کنفرانس مطبوعاتی در خصوص فرصت‌های شرکت‌های بریتانیا برای مشارکت در شورای همکاری خلیج فارس گفت، اداره اعتبار صادرات بریتانیا در آینده از تمامی ارزهای خلیج فارس حمایت خواهد کرد (Department for International Trade, 2017)

صندوق‌های مستقل ثروت و سرمایه‌گذاران خصوصی خلیج فارس در ملک لندن به شدت سرمایه‌گذاری کرده‌اند، امارات با سرمایه‌گذاری ۸ میلیارد پوندی در پروژه‌های بریتانیا (Stansfield, & Kelly, 2013, p 2) هشتمین کشور سرمایه‌گذاری کننده در بریتانیا است (Booth, 2013) امروزه بسیاری از شرکت‌های بریتانیایی از جمله شرکت‌های مهندسی در امارات متحده عربی مشغول فعالیت هستند. همچنین، سرمایه‌گذاری‌های متقابل بین کویت و بریتانیا در سال ۲۰۱۸ به ۴,۴ میلیارد دلار رسیده که از سال ۲۰۱۷ به میزان ۸ درصد افزایش داشته است. شیخ «عبدالله بن ناصر بن خلیفه آل ثانی» نخست‌وزیر قطر، اعلام کرد که اداره سرمایه‌گذاری قطر در بریتانیا پس از رفراندوم برگزیت ۶,۶ میلیارد دلار اضافی سرمایه‌گذاری خواهد کرد (Manuel, 2018) تا به امروز، قطر ۴۰ میلیارد پوند در بریتانیا سرمایه‌گذاری کرده است و بریتانیا را مناسب‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری برای خود می‌داند (Ahmed, 2017) از آنجایی که بحرین ذخایر نسبتاً کمی از نفت و

1. William Fix

گاز دارد، اقتصاد این کشور به دلیل مالیات‌های پایین‌تر و ساختار نظارتی قوی‌تر نسبت به بسیاری از همسایگان، مقصدی بهتر برای سرمایه‌گذاری و یک مرکز تجاری بزرگ در خلیج فارس است و امروزه به دروازه‌ای برای بازارهای عربستان و دیگر کشورهای خلیج فارس تبدیل شده است. عربستان نیز، بزرگ‌ترین بازار بریتانیا در منطقه با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های حمل‌ونقل و زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی به‌ویژه در زمینه‌های مراقبت بهداشتی و آموزشی است.

۵-۳. صادرات اسلحه و تجهیزات نظامی

فروش تسلیحات یکی دیگر از منافع تجاری برای بریتانیا به شمار می‌رود که منابع قابل توجهی از مشاغل در بریتانیا را به خود اختصاص داده و سند مهمی از سیاست خارجی بریتانیا در خلیج فارس محسوب می‌شود. کشورهای خلیج فارس، هزینه‌های هنگفتی از درآمدهای نفتی را در تسلیحات نظامی صرف می‌کنند. طبق آمارهای رسمی عربستان و امارات به ترتیب نخستین و دومین خریدار تسلیحاتی بریتانیا هستند. عربستان از سال ۲۰۱۰ تجهیزات به ارزش شش میلیارد و ۷۰۰ میلیون پوند از این کشور دریافت کرده است. همچنین یکی از بزرگ‌ترین مشتریان عظیم‌ترین هلدینگ صنایع نظامی بریتانیا، یعنی «BAE System» است؛ بنا بر اعلام «وزارت صنعت و تجارت»، قراردادهای دفاعی لندن در خاورمیانه در طول سال‌های ۲۰۱۳ - ۲۰۰۴، سفارش تجهیزات نظامی از خاورمیانه به‌ویژه از سوی کشورهای عربستان و عمان در زمینه جت‌های آموزشی «هاواک بی.ای.ای»^۱ و جنگنده‌های «یوروفایتر تایفون»^۲ افزایش یافته است (UK Department of Trade & Investment, 2014). دولت‌های عمان، امارات متحده، قطر و بحرین در دو سال گذشته به ترتیب قراردادهایی به ارزش ۱۲۰، ۳۸۸، ۱۷۰ و ۲۴ میلیون پوند با بریتانیا منعقد کرده‌اند.

پس از «طرح ابتکار خلیج فارس» بریتانیا با انتخاب بحرین به‌عنوان بازار

1. DTI

2. BAE System Hawk

3. Eurofighter Typhoon jets

کلیدی برای صادرات، اسلحه مجوز صادراتی را برای تجهیزاتی از قبیل گاز اشک‌آور و مهمات، تجهیزات برای توپ‌های هوایی، تفنگ‌های ساچمه‌ای، تفنگ تک‌تیرانداز و سلاح‌های دیگر صادر کرد؛ اما در سال ۲۰۱۱، با گسترش ناآرامی‌ها در بحرین به ظاهر درباره مجوز صادر شده تجدیدنظر کرد و بحرین را با بودجه دفاعی محدود، جزو کشورهای کم‌اهمیت در این خصوص به شمار آورد. با وجود این آمارها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۲ حدود هشت میلیون دلار مجوز صادرات برای بحرین صادر کرده است (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2013). به‌طور کلی بریتانیا درصدد خواهد بود تا از این طریق قادر به کنترل تحولات نظامی متحدان منطقه‌ای خود در خلیج فارس باشد و به نحوی همه آن‌ها را به دانش و فناوری، پشتیبانی فنی و آموزشی خود وابسته کند.

۶. نادیده گرفتن دموکراسی

بریتانیا از کشورهایی است که از دیرباز با شعار تحقق دموکراسی و حقوق بشری در سایر کشورها مداخله کرده است؛ اما با وقوع بهار عربی، شعار دموکراسی و مشروعیت حکومت‌ها در افکار متفکرین سیاست خارجی بریتانیا رنگ باخته و واکنش به اقدامات رژیم‌های اقتدارگرا بی‌پاسخ مانده است. قدرت‌های اقتدارگرا که فضای سیاسی جامعه را با هدف مقابله با جنبش‌های انقلابی بسته نگه می‌دارند، با شعار دموکراتیزه کردن کشورهای عربی خلیج فارس توسط بریتانیا در منافات هستند. بریتانیا همکاری خود را با برخی از کشورها به‌رغم اقتدارگرایی گسترده و رعایت نکردن حقوق بشری، صرفاً به دلیل نقش برجسته آن کشور در تأمین منافعش ادامه می‌دهد و به بهانه جلوگیری از تهدیدات افراط‌گرای اسلامی خواهان افزایش ثبات و همکاری با متحدان خود (بحرین و عربستان) است.

جنگ یمن و فروش اسلحه به عربستان کارنامه اشاعه دموکراسی لندن از طریق زور و اشغالگری نظامی را در خلیج فارس با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. با وجود این، تعدادی از چهره‌ها و سازمان‌های بریتانیایی خواستار تحقیق درباره نقش کشورهای خلیج فارس در حمایت از تروریسم شده‌اند. «هنری جکسون»^۱

1. Henry Jackson

گزارشی را منتشر کرد، مبنی بر اینکه عربستان به‌عنوان مهم‌ترین تجهیزکننده افراطی‌گرایی اسلامی است. «جرمی کوربین»^۱ رهبر حزب کارگر نیز عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج‌فارس را به ایدئولوژی افراط‌گرایی محکوم کرده است.

۷. تسلط و کنترل منابع انرژی و امنیت آن

بریتانیا از بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های نفتی در اتحادیه اروپا است؛ اما دسترسی به ذخایر نفتی خلیج‌فارس به دلیل وابستگی اقتصادی آن کشور به واردات نفتی اهمیت فراوانی دارد و لندن را به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفتی و گازی اروپا از خلیج‌فارس به‌منظور کاربرد در عرصه تولید تبدیل کرده است. این وضعیت روند فزاینده‌ای دارد و روزبه‌روز بیشتر می‌شود. شرکت‌های نفتی بریتانیا با هدف تأمین وابستگی‌های نفتی خود در خلیج‌فارس فعالیت می‌کنند. امروزه حدود ۴۰ درصد از مصرف فعلی نفت بریتانیا وارداتی است و احتمال می‌رود این رقم تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۷۵ درصد برسد (HM Government, 2015). در این شرایط، جریان آزاد نفت از خلیج‌فارس به‌عنوان یکی از اولویت‌های استراتژی بریتانیا در نظر گرفته شده و لندن سیاست خود را مبنی بر تأمین انرژی از طریق خرید نفت از کشورهای خلیج‌فارس و حفظ منابع استراتژیک خود قرار داده است. وابستگی بریتانیا به انرژی خلیج‌فارس، علی‌رغم گسترش و توسعه انرژی‌های نو از یک‌سو و تلاش رقبای نوظهور برای ایجاد پیوندهای استراتژیک با کشورهای خلیج‌فارس از سوی دیگر، این کشور را به اتخاذ استراتژی جدیدی برای سلطه بر منابع انرژی منطقه سوق داده است؛ زیرا از یک‌سو کشورهایی چون عربستان با قدرت تولید دو میلیون بشکه در روز، بیشترین اهمیت استراتژیک را برای انگلستان دارند و این موضوع زمانی قابل توجه می‌شود که بر طبق برخی آمارها نفت بریتانیا در چند سال آینده به اتمام خواهد رسید و وابستگی این کشور به نفت خاورمیانه افزایش خواهد یافت و از سوی دیگر با توجه به حجم بالای دلارهای نفتی، این کشورها از جمله عربستان مهم‌ترین مشتری تولیدات نظامی این کشور محسوب می‌شوند.

1. Jeremy Bernard Corbyn

علاوه بر این، حدود نیمی از گاز مورد نیاز بریتانیا وارداتی است. تولید گاز طبیعی در بریتانیا نسبت به سابق به شدت کاهش یافته است و بر اساس گزارش وزارت انرژی بریتانیا، با افزایش واردات گاز، احتمالاً تا اواسط سال ۲۰۲۰ به ۲۰ درصد و تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۳۵ درصد برسد (UK Department of Trade & Investment, 2014).

از آنجایی که تولید پایدار و جریان آزاد منابع انرژی از خلیج فارس برای تولیدات صنعتی و تحولات اقتصادی بین‌المللی حیاتی است، برای بریتانیا نیز امنیت انرژی و ارتباط آن با منطقه خلیج فارس در چشم‌اندازهای سیاست خارجی حائز اهمیت است. هرگونه ناآرامی در منطقه، موجب کاهش چشمگیر امنیت انرژی می‌شود و پیامدهای عمیقی را برای جامعه جهانی در بر خواهد داشت و زندگی روزمره افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «بارتون»^۱ در تعریف امنیت انرژی اظهار می‌دارد: شرایطی که در آن یک ملت و همه شهروندان و تجار آن دارای دسترسی به منابع کافی انرژی در فرایندی قابل قبول و منطقی تا آینده قابل پیش‌بینی و فارغ از خطر جدی قطع آن هستند؛ به عبارت دیگر امنیت انرژی به عرضه پایدار و مطمئن به قیمت قابل قبول اشاره می‌کند (Coskun, 2008).

بریتانیا بخش عمده نفت خود را از نروژ وارد می‌کند؛ اما برای خلیج فارس به عنوان منبع بالقوه انرژی اهمیت زیادی قائل است و انتظار می‌رود که در دوره پسابرجزیت با هدف دستیابی به جایگاه مورد نظر، حرکت به سمت رشد بیشتر را هدف‌گذاری کند که این امر مستلزم دستیابی به منابع انرژی ارزان و مطمئن است. در استراتژی امنیت ملی بریتانیا در سال ۲۰۰۸، امنیت انرژی یکی از موارد ذکر شده بود و به رغم اهمیت کمتر آن در گذشته، بر آن تأکید داشتند. این سند با در نظر گرفتن وابستگی بریتانیا به نفت خلیج فارس از سال ۲۰۱۰ و کاهش نفت و گاز دریای شمال و پایان خودکفایی آن اهمیت دارد (Rogers, 2008). به این ترتیب، ثبات در منطقه تأثیر فراوانی بر رونق اقتصادی بریتانیا دارد؛ زیرا اتفاقات و حوادث در این منطقه می‌تواند به اختلال در تأمین منابع نفتی، افزایش قیمت جهانی نفت و گاز، ناپایداری کشورهای

1. Burton

واردکننده، تأثیر بر اقتصاد جهانی و رفاه مصرف‌کنندگان منجر شود. بنابراین بریتانیا از طریق ایجاد و تداوم ثبات در منطقه به دنبال استفاده حداکثری از ذخایر نفتی و گازی در خلیج فارس است و به‌طور کلی، امنیت و عرضه تقاضای نفت از یک‌سو و دستیابی به منابع ارزان فراوان از سوی دیگر از راهبردهای بریتانیا در خلیج فارس خواهد بود.

۸. تلاش برای امنیت و مقابله با عناصر بی‌ثبات‌کننده

ثبات و امنیت خلیج فارس از اولویت‌های اساسی در استراتژی امنیت ملی بریتانیا در دوره پسابریگزیت به شمار می‌رود. به‌زعم این کشور، در دوره پسابریگزیت اولویت اصلی بریتانیا در خاورمیانه تثبیت وضعیت سیاسی و امنیتی در خاورمیانه خواهد بود؛ زیرا بی‌ثباتی و ناامنی در این منطقه می‌تواند چشم‌اندازهای آتی بریتانیا را تحت تأثیر قرار دهد. بریتانیا درصدد خواهد بود تا از طریق ارتباطات گسترده، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی با رژیم‌های طرفدار خود، اقدامات، رویدادها و بحران‌ها را مدیریت کند که نوعی از دیپلماسی برای تثبیت روابط بین نهادهای سیاسی تکامل یافته به شمار می‌رود (Galtung & Ruge, 1956, p 102). بدین ترتیب برای دوره پسابریگزیت نیز تمایل و علاقه‌مندی خود را به حضور در منطقه با شعار ایجاد ثبات و امنیت اعلام داشته است. به نظر می‌رسد در دوره پسابریگزیت، مقابله با برخی از موارد ذیل که از نظر لندن بی‌ثبات‌کننده هستند، در دستور سیاست خارجی لندن قرار خواهند گرفت:

۸-۱. مقابله با تروریسم

شکست ارتش‌های متحد عرب در جنگ با اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به‌عنوان نقطه عطفی در سقوط ناسیونالیسم عرب و ظهور اسلام سیاسی در خاورمیانه محسوب می‌شود. با قدرت‌یابی گروه‌های رادیکال، رژیم‌های سیاسی و حامیان آن‌ها در منطقه مورد تهدید و هدف قرار گرفتند؛ بنابراین، تمرکز بر مهار یا نابودی این گروه‌ها، از استراتژی‌های اصلی سیاست خارجی بریتانیا و آمریکا در دهه ۱۹۹۰ به شمار می‌رفت. غربی‌ها بر این باورند که تروریسم با هر عنوان و تعریفی در شرایط جدید

مؤثرتر از گذشته کارایی خود را نشان می‌دهد و تهدیدی جدی برای منافع آنان و محل ثبات و امنیت در خلیج فارس است و در صورت نابودی یا مهار آن خواهند توانست بقای رژیم‌هایی را که در راستای منافع ملی لندن گام برمی‌دارند، تضمین نمایند. با توجه به اهمیت مقابله جدی با تروریسم، در گزارش استراتژی امنیت ملی بریتانیا در سال ۲۰۰۹ تروریسم بین‌المللی تهدیدی جدی برای امنیت ملی بریتانیا عنوان شد. پس از آن، دولت بریتانیا در بازنگری دفاع و امنیت استراتژیک سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که اسلام‌گرایان رادیکال بزرگ‌ترین تهدیدکننده امنیت ملی آن کشور به شمار می‌روند و این کشور به شدت نگران تأثیرات رادیکالیزه شدن کشورهای خاورمیانه نسبت به شهروندان خود، از جمله گروه‌های افراطی و تکفیری و سایر سازمان‌های تروریستی است (UK Security Service, 2014)؛ زیرا گروه‌های تکفیری علاوه بر خاورمیانه بر غرب نیز تمرکز دارند.

امروزه توانایی گروه‌های تروریستی، از جمله داعش و القاعده برای انجام عملیات تروریستی در اروپا، «پاریس» (نوامبر ۲۰۱۵)، «بروکسل» (مارس ۲۰۱۶)، «نیس» (ژوئیه ۲۰۱۶) و «لندن» (مارس ۲۰۱۷) مشکلات امنیتی را به وضوح برجسته کرده است. تداوم گسترده ناامنی‌ها در برخی از کشورهای خلیج فارس (عراق) به پناهندگی تعداد زیادی از مهاجرین به کشورهای اروپایی منجر شده و در زمره بحران‌های امنیتی و بشردوستانه قرار گرفته است. بر این اساس بریتانیا به واسطه استراتژی نئوامپریالیستی خود در صدد دسترسی به پایگاه‌های نظامی و حفظ بازارهای مهم و حیاتی است. لندن بنا دارد در جهت دستیابی به اهداف دوران پس‌سردیوار خود این همکاری‌ها را در همه حوزه‌های مرتبط با تروریسم (از جمله تأمین امنیت فرودگاه‌ها) به کار گیرد. این منطق با استراتژی امنیت ملی بریتانیا در سال ۲۰۱۵ و استراتژی دفاعی و بازنگری امنیت (SDSR) سال ۲۰۱۸ حاکی از آن است که بریتانیا باید اطمینان حاصل نماید که خطوط دریایی و شریان‌های تجارت جهانی آزاد باقی می‌مانند (Parasie, 2016).

۸-۲. مهار کردن نفوذ ایران

ایران به دلیل اهمیت تاریخی، موقعیت جغرافیایی و توسعه اقتصادی و فناورانه و

به لحاظ استراتژیکی از کشورهای مهم منطقه است (Khan, 2011). علاوه بر این منابع انرژی فراوانی دارد (۱۱,۱) از ذخایر نفتی جهان و ۱۵,۳ درصد ذخایر گازی جهان (Cordesman & Al-Rodhan, 2006). واقعیت این است که موقعیت، عناصر ژئوپلیتیک، نفوذ و قدرت سخت و نرم ایران در منطقه، این کشور را در خاورمیانه بااهمیت می‌سازد و این وضعیت به‌خصوص با بازگشت هویت ژئوپلیتیک به استراتژی‌های کشورهای در قبال بحران‌های جهانی همچنان باقی است (سجادپور، ۱۳۷۹، ص ۷۲) به همین دلیل بریتانیا از موقعیت ژئوپلیتیک ایران نگران است و می‌کوشد تا از طریق همکاری با غرب، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و متحد ساختن کشورهای عربی، آن‌ها را به مقابله با ایران سوق دهد.

از سال‌های پیش با تحریک و حضور دائمی ایالات متحده و بریتانیا، رقابت‌های مذهبی و قومی گسترده‌ای بین دولت‌های منطقه‌ای به‌ویژه ایران و عربستان شکل گرفته و آن‌ها را در مسیر رویارویی نظامی قرار داده است. کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان بر این باورند که ایران بانفوذ در عراق، سوریه و لبنان به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل شده است؛ قدرت منطقه‌ای ایران، کشورهای عربی منطقه را در جهت ارتباطات نزدیک با ایالات متحده و بریتانیا با هدف مهار و کنترل قدرت ایران در منطقه سوق داده است (Alshayji, 2002, pp 224-225). با تشدید رقابت‌ها میان عربستان و ایران، رویارویی میان بازیگران دولتی و غیردولتی ایران و متحدان منطقه‌ای (عربستان، امارات متحده عربی و احتمالاً اسرائیل) محتمل است؛ چراکه این کشورها از متحدان سنتی غرب هستند. این مسئله به یکی از موضوعات اساسی تبدیل شده است. امروزه، بریتانیا، شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل، افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران را از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی رو به رشد تلقی کرده، قدرت‌یابی ایران در زمینه موشک‌های بالستیک را تهدیدی جدی و مستقیم علیه امنیت و موقعیت خود به شمار می‌آورند. به همین دلیل در یک خط علیه ایران قرار گرفته‌اند و با رد هرگونه تلاش دیپلماتیک با ایران، با نفوذ تهران در منطقه مقابله می‌کنند و حتی برخی از دولت‌های عربی با در اختیار قرار دادن پایگاه نظامی و فرصت‌های اقتصادی به

بریتانیا، از لندن حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی را در قبال نفوذ ایران طلب می‌نمایند. علاوه بر این، دولت بریتانیا به خوبی می‌داند که سیاست بازگشت مجدد به منطقه با مخالفت جدی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو است و بریتانیا نیز همانند آمریکا با چالش ایران در منطقه مواجه خواهد شد. بر همین اساس، درحالی‌که نخست‌وزیر بریتانیا خود را متعهد به برجام می‌داند، در نشست شورای همکاری خلیج فارس گفت: «به شما اطمینان می‌دهم که من به وضوح تهدیدهایی را که ایران متوجه خلیج فارس و در بُعدی گسترده‌تر متوجه خاورمیانه می‌کند، مشاهده می‌کنم» (may, 2016b)؛ اما رهبر جمهوری اسلامی ایران با واکنش تندی علیه این سخن می، بریتانیا را به عنوان قدرت امپریالیستی و دشمن ایران برشمرد و اظهار کرد: «بی‌شرمانه می‌گویند ایران تهدید منطقه است» (خامنه‌ای، ۲۰۱۶). به این ترتیب می‌توان گفت، بریتانیا درصدد خواهد بود تا در دوره پسابرجزیت با تحکیم روابط خود با کشورهای عربی، زمینه در انزوا قرار دادن و محدود کردن ایران در خلیج فارس را فراهم ساخته، از طریق ایران‌هراسی اهداف خود را دنبال کند.

۹. دفاع و حمایت از رژیم‌های مشتری

حفظ و تداوم رابطه نزدیک با دولت‌های طرفدار یا «رژیم‌های مشتری»^(۱) از دیگر علاقه‌مندی‌ها و منافع بریتانیا در خلیج فارس است. این رابطه تاریخی منحصربه‌فردی دارد که در قرن‌های هفدهم و هجدهم نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. از آنجایی‌که رابطه بریتانیا با خلیج فارس صرفاً تاریخی نیست، بلکه ادامه‌دهنده رشد منافع بریتانیا در منطقه است، دولتمردان این کشور نسبت به معادلات و جهت‌گیری‌های سیاسی منطقه خاورمیانه حساسیت زیادی دارند و درصدد ایجاد و تداوم روابط با بازیگران دولتی خاورمیانه هستند که در این زمینه به موفقیت‌های زیادی دست یافته و توانسته است روابط خود را با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس مدیریت نماید. سیاست لندن در حمایت از متحدان سنتی خود، حفظ ثبات آن‌ها بدون توجه به نوع رژیم آن کشورها (دموکراسی، حقوق بشر و...) بوده و از طریق تعاملات، قوانین و هنجارها تلاش‌ها و هماهنگی‌های فراوانی را برای حفظ ثبات آنان دنبال نموده است. چنانکه در

جریان بهار عربی نیز سیاست خارجی آن کشور با بی‌توجهی به شعارهای حقوق بشری به سمت حمایت از رژیم‌های حاکم از جمله بحرین متمایل گشت؛ زیرا حمایت از رژیم‌های حامی، ارتباط بیشتری با منافع بریتانیا دارد.

نتیجه‌گیری

با برگزاری فراندوم ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ عدم قطعیت‌های فراوانی پیش‌روی محققین سیاست خارجی و سیاستمداران آن کشور قرار گرفت که به معنای ابهامات فراوان در خصوص آینده سیاست خارجی آن کشور در دوره پسابرگزیت است. با وجود این، به نظر می‌رسد بریتانیا در دوره پسابرگزیت درصدد خواهد بود با تکیه بر الگوی بریتانیای جهانی به‌عنوان بازیگری مستقل در عرصه جهانی به ایفای نقش بپردازد. بازگشت مجدد به خلیج فارس و انعقاد توافق‌نامه تجاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از مهم‌ترین سناریوهای احتمالی درباره آینده سیاست خارجی لندن در دوره پسابرگزیت است؛ زیرا بریتانیا دارای روابط تاریخی منحصربه‌فردی با حاکمان خلیج فارس و مشارکت در امور خلیج فارس به طرق مختلف است. اهمیت این منطقه برای بریتانیا به قرن هفدهم برمی‌گردد و گسترش شبکه تجارت جهانی که بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با دادن اختیارات تام و تسلط بر امور خارجی در برابر تضمین امنیت به حوزه اصلی نفوذ امپراتوری تبدیل شدند. پس از آن بریتانیا به‌عنوان قدرت غربی در خلیج فارس حضور یافت؛ اما جنگ جهانی دوم و پایان امپراتوری بریتانیا عواقب اجتناب‌ناپذیری برای نفوذ بریتانیا در منطقه رقم زد و نقش بریتانیا را به‌عنوان قدرت برتر و تضمین‌کننده امنیت منطقه‌ای به چالش کشید که در پایان به خروج غیرمستقیم بریتانیا از منطقه در ابتدای دهه ۱۹۷۰ انجامید.

پایان جنگ سرد، حمله به عراق و افغانستان، تحولات بهار عربی، طرح ابتکار خلیج فارس و خروج احتمالی آمریکا زمینه حضور مجدد بریتانیا را در خلیج فارس فراهم ساخت که با برگزاری فراندوم برگزیت اهمیت این منطقه در سیاست خارجی لندن فزونی یافت. هم‌اکنون بریتانیا با یک استراتژی بلندمدت در خلیج فارس حضور یافته است و حرکت آن کشور در دوره پسابرگزیت بر مبنای

الزامات بلندمدت در راستای ایجاد ثبات و فرصت‌های اقتصادی بر مبنای مجموعه‌ای از رفتارهای جمعی در جهت توسعه اهداف استراتژیک بلندمدت بریتانیا خواهد بود. به نظر می‌رسد سیاست بریتانیا در خلیج فارس صرفاً اقتصادی نیست؛ زیرا دغدغه‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی بریتانیا در مقایسه با اهداف اقتصادی بیشتر است؛ از آنجایی که خلیج فارس در قلب خاورمیانه واقع شده و تعداد زیادی از افراد دارای تبعه بریتانیایی را در خود جای داده است، دارای اهمیت زیادی برای اهداف کلیدی سیاست خارجی بریتانیا در دوره پسابرجزیت است؛ بنابراین در تلاش خواهد بود تا با تکیه بر جایگاه اقتصادی خود و نقشی که در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، در پی اهداف سیاسی و امنیتی خود در خلیج فارس برآید و از این طریق به تضمین امنیت و جریان انرژی، ثبات منطقه‌ای، تداوم حضور خود، مقابله با جریان‌های تروریستی، مقابله با قدرت نفوذ ایران و ... کمک کند.

به این ترتیب، تغییرات اساسی در سیاست خارجی بریتانیا و توجه ویژه آن کشور به خلیج فارس در دوره پسابرجزیت، ضرورت دگرگونی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به خلیج فارس و به‌ویژه کشورهای پیرامونی و حوزه نفوذ ایران را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ زیرا با بررسی سناریوهای مطرح در این پژوهش می‌توان به این واقعیت رسید که حضور بریتانیا در خاورمیانه در دوره پسابرجزیت در مقایسه با حداقل چهار دهه گذشته متفاوت خواهد بود. امروزه برخلاف گذشته که حضور بریتانیا در منطقه به‌صورت غیرمستقیم و محدود به تعداد کمی از نیروهای نظامی و با هدف مشخصی (به‌ویژه اقتصادی) بود و تهدیدات بریتانیا تا حدودی مشخص و قابلیت پیش‌بینی در آن وجود داشت، عدم قطعیت‌های فراوانی در همه زمینه‌ها (اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ...) در حال حاکم شدن بر منطقه است؛ فعالیت‌های بریتانیا به‌طور قطع بر حوزه و انعطاف‌کنشگری جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تأثیرات فراوانی برجای خواهد گذاشت و بر این اساس لازم است با به‌کارگیری رویکردهای سلبی و ایجابی در راستای اقدامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس بر دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ تأکید کرد.

یادداشت

۱. دولت مشتری دولتی است که به لحاظ اقتصادی، سیاسی یا نظامی به یکی از دولت‌های قدرتمندتر وابسته است. در روابط بین‌الملل انواع دولت‌های مشتری عبارت‌اند از: دولت وابسته، دولت دست‌نشانده، نو مستعمره، قیمومیتی (تحت‌الحمایه)، دولت ایالتی.

منابع

- خالوزاده، سعید (۱۳۸۴). کالبدشکافی روابط سیاسی - امنیتی ایالات متحده و انگلستان پس از جنگ جهانی دوم، کتاب اروپا ۵ (ویژه روابط انگلیس و اروپا)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خامنه‌ای، سید علی (۲۰۱۶). واکنش تند رهبر ایران به سخنان ترزا می: بی‌شرمانه می‌گویند ایران تهدید منطقه است، قابل دسترسی در:
[https:// fa. euronews. com/ 2016/12/17/ iranian- supreme- leader- khamenei- reaction- to-british-prime-minister-theresa-may](https://fa.euronews.com/2016/12/17/iranian-supreme-leader-khamenei-reaction-to-british-prime-minister-theresa-may)
- درج، حمید. آقایی، سید داود (۱۳۹۶). جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، (۴۰)، صص ۶۸ - ۳۹.
- دلدم، اسکندر (۱۳۶۳). سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس. تهران: انتشارات نوین.
- سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۷۹). جهانی شدن و امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست خارجی.
- قاسمی، فرهاد. صالحی، سید جواد (۱۳۸۷). نگرشی تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- کورنیش، ادوارد (۱۳۸۸). آینده پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف بر اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی. ترجمه سیاوش ملکی‌فر. تهران: اندیشکده صنعت و فناوری، گروه آینده پژوهی و دیده‌بانی.
- مظفری، علی (۱۳۸۸). آینده پژوهی، بستر عبور از مرزهای دانش. فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، (۲۸)، صص ۴۸-۲۵.

- ناصرآبادی، زهرا (۱۳۷۹). آینده‌پژوهی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی.
- نپوری‌زاده، بهنام (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی، مفاهیم، روش‌ها. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی سیاست‌های اروپا و آمریکا در خاورمیانه، کتاب خاورمیانه- ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۵). انگلستان در خلیج فارس تکاپوی تازه در سیاست خارجی، جام جم آنلاین. قابل دسترسی در:
<http://jamejamonline.ir/online/2660374232004167165>
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴). تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار. تهران: انتشارات سمت.
- ویلسون، هارولد (۱۳۷۴). خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الهی، همایون (۱۳۸۷). خلیج فارس و مسائل آن. چاپ دهم. تهران: نشر قومس.

- Ahmed, Nafeez (7 May 2014) "Think tank behind Tory foreign policy promotes Arab world fossil fuel hegemony", The Guardian, available at: <https://www.theguardian.com/environment/earth-insight/2014/may/07/henry-jackson-society-neocon-militarism-mideast-oil-gas-energy>
- Aljazeera(December 7, 2016)"Britain to Deepen Security Cooperation With the GCC," available at: <http://www.aljazeera.com/news/2016/12/britain-deepen-security-cooperation-gcc-161207102311180.html>
- Allison, George(2017) "Five ships to be permanently based in Bahrain", UK Defence Journal, available in: <https://ukdefencejournal.org.uk/five-ships-to-be-permanently-based-in-bahrain/>
- Alshayji, A.K. (2002) Mutual Realities, Perceptions, and Impediment Between The GCC States and Iran, in: Security in the Persian Gulf. Palgrave.
- Asthana, A (2017) "Face like thunder': how the mood turned sour at Trump's first G20", available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/jul/08/china-france-us-g20-maytrump-trade-pledge-paris-climate>
- Atchinson, c.u (1909) A Collection Of Treaties Engagements And Sanads, GOVERNMENT OF INDIA, universallibrary, (Vol. Xiii)
- Belgrave, Charles (1966) The Pirate Coast, London: G. Bell & Sons.
- Booth, Robert(17 April 2013) "Boris Johnson may regret portraying London as the 'eighth emirate'", The Guardian, available at: <https://www.theguardian.com/world/2013/apr/17/boris-johnson-london-emirate>

- theguardian.com/commentisfree/2013/apr/17/boris-johnson-regret-london-eighth-emirate
- British PM(2016) UAE, UK Eye \$35.4bn Trade Ties by 2020, available at: <http://www.arabianbusiness.com/uae-uk-eye-35-4bn-trade-ties-by-2020-says-british-pm-626513.html>
- Committee on Arms Exports Control (17 July 2013) Scrutiny of Arms Exports and Arms Control, available in: <http://www.publications.parliament.uk/pa/cm201314/cmselect/cmquad/205/205ii12.htm>
- Cordesman, A. H. & Al-Rodhan, K. R (2006). The Gulf military forces in an era of asymmetric wars: Iran. Washington DC: Center for Strategic and International Studies.
- Coskun, Bezen Balamir. (25 - 27 September 2008)." The EU's Quest for Energy Security and Persian Gulf ". Prepared for the Fourth Pan-European Conference on EU Politics, University of Latvia.
- Debusmann Jr, Bernd. (2019) "UK to boost assistance for Gulf 'vision' strategies, says Middle East Trade Commissioner".Arabian Busines. <https://www.arabianbusiness.com/politics-economics/410630-uk-to-boost-assistance-for-gulf-vision-strategies-says-middle-east-trade-commissioner>
- Department for International Trade(2017)"Enhancing economic relationships between the UK-GCC through PPP", available at: <https://www.gov.uk/government/news/enhancing-economic-relationships-between-the-uk-gcc-through-ppp>
- Department for International Trade(May 01,2018), Doing business in the United Arab Emirates: UAE trade and export guide", available in: <https://www.gov.uk/government/publications/exporting-to-the-united-arab-emirates/exporting-to-the-united-arab-emirates>
- Diala-McBride,Criselda(2018)"GCC's honeymoon with oil is over", eniday, https://www.eniday.com/en/sparks_en/arabian-gulf-honeymoon-with-oil-is-over/
- Doyle, Chris (6 June 2017) "Neither consistent nor ethical: Britain's Middle East policy", The New Arab, available at: <https://www.alaraby.co.uk/english/comment/2017/6/6/ neither-consistent-nor-ethical-britains-middle-east-policy>
- Embassy of the United Arab Emirates(December 20, 2016) "UK-UAE

- Relations,” available in: [http:// www. uaeembassy. ae/ Embassies/uk/ Content/570](http://www.uaeembassy.ae/Embassies/uk/Content/570)
- Erdbrink, Thomas and Krauss, Clifford (2016) ‘Iran races to Clinch Oil Deals before Donald Trump Takes Office’, New York Times, available at: [https:// www. nytimes. com/ 2016/12/08/ world/ middleeast/ iran- oil- sanctions- trump.html](https://www.nytimes.com/2016/12/08/world/middleeast/iran-oil-sanctions-trump.html)
- Foreign Affairs Committee(2017) “Broader Context: UK Ties With the Gulf, available in: [http:// www. publications. parliament. uk/ pa/cm201314/ cmselect/ cmcaff/88/8806.htm](http://www.publications.parliament.uk/pa/cm201314/cmselect/cmcaff/88/8806.htm)
- Foreign and Commonwealth Office(2011) Business Plan 2011-15, available in: https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/32855/FCO-Business-Plan1.pdf
- Fortune (2016)“Gulf Investors Hold Back From UK Property Deals on Brexit Fears,”available at: [http:// fortune. com/ 2016/06/05/gulf- investors- real-estate- brexit/](http://fortune.com/2016/06/05/gulf-investors-real-estate-brexit/)
- Galtung, Johan and Ruge, Mari(1956) “Patterns of Diplomacy,” Journal of Peace Research 2, no. 2.
- Graham-Harrison, Emma (21 December 2012) ‘Britain could deploy more troops to Gulf, says David Cameron’, available in: [http://www. theguardian. com/uk/2012/dec/21/britaindeploy-troops-gulf- cameron](http://www.theguardian.com/uk/2012/dec/21/britaindeploy-troops-gulf-cameron)
- HM Government, (2015) National Security Strategy and Strategic Defence and Security Review 2015 available in: https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/478933/52309_Cm_9161_NSS_SD_Review_web_only.pdf
- House of Commons Foreign Affairs Committee(2013)The UK’s relations with Saudi Arabia and Bahrain, available in: [https://publications.parliament. uk/ pa/ cm201314/ cmselect/ cmcaff/88/88.pdf](https://publications.parliament.uk/pa/cm201314/cmselect/cmcaff/88/88.pdf)
- Kahn, H., and Wiener, A., J (1967). The Year 2000 – a Framework for Speculation on the Next Thirty Three Years. New York: Macmillan.
- Khan, Z. A (2011). US post 9/11 Persian Gulf policy: Iran’s concern and options. IPRI Journal, 11(1), 41-58.
- Low, Charles Rathbone, (1877) History of the Indian Navy (1613–1863),London: R. Bentley and son, vol. 1.
- Manuel, Almeida (September 20, 2018) “Brexit’s economic and political effects a puzzle for the GCC too”. Arab News. <http://www.arabnews.com>

- com/ node/1375146
- May (2016a) May's speech to the Conservative Friends of Israel – full text, available in: <https://www.conservativehome.com/parliament/2016/12/mays-speech-to-the-conservative-friends-of-israel-full-text.html>
- May, Theresa(7 December 2016b), “PM: We are clear-eyed about threat from Iran”, available in: <https://www.gov.uk/government/news/pm-we-are-clear-eyed-about-threat-from-iran>
- Merrill, Jamie (1 November 2015) ‘Royal Navy base construction begins in Bahrain as Britain seeks a return to “East of Suez”, Independent, available in: <http://www.independent.co.uk/news/uk/home-news/royal-navy-baseconstruction>
- Middle East Monitor(October 13, 2016) “Oman Sstrengthens Defence Ties With UK,” available in: <https://www.middleeastmonitor.com/20161013-oman-strengthens-defence-ties-with-uk/>
- Mietzner, D. & Reger, G., (2005) Advantages and disadvantages of scenario approaches for strategic foresight. Int. J. Technology Intelligence and Planning, Volume Vol. 1.
- Mills, Claire(10 July 2018) Commons Library Briefing, available in: <file:///C:/Users/sky-pc/Downloads/CBP-8248.pdf>
- Ministry of Defence(July 15, 2016) “Defence Secretary Discusses Tackling Terrorism with Qatar,” available in: <https://www.gov.uk/government/news/defence-secretary-discusses-tackling-terrorism-with-qatar>
- Nassauer, J.I., Corry, R. C (2004). Using normative scenarios in landscape ecology. Landscape Ecology, 19: 343-356.
- Only, J. (2009) Britain and the Gulf Shaikhdoms, 1820-1971: The Politics of Protection, Center for International and Regional Studies, Georgetown University School of Foreign Service in Qa-tar, No.4.
- Parasie, Nicolas(26 June 2016) ‘Persian Gulf to Continue Investing in U.K. After Brexit Vote’, Wall Street Journal, available in: <http://www.wsj.com/articles/persian-gulf-to-continue-investing-in-u-k-after-brexitvote-1466943627>
- Robinson, Tim(2018) UK relations with Qatar, available at: [file:///C:/Users/sky-pc/Downloads/CDP-2018-0126%20\(1\).pdf](file:///C:/Users/sky-pc/Downloads/CDP-2018-0126%20(1).pdf)
- Rogers, Paul (2008) BRITAIN'S SECURITY – A NEW APPROACH? International Security Monthly Briefing, available at: <http://interactive>.

- cabinetoffice.gov.uk/documents/security/national_security_strategy.pdf
- Rose, Caroline (February 05, 2019) "Brexit's Impact on UK-Middle East Relations". Charged Affair, <https://chargedaffairs.org/brexit-impact-on-uk-middle-east-relations/>
- Rynhold, J (2014) American Grand Strategy and the Arab-Israeli Conflict, Bar-Ilan University, American Political Science Association Annual Conference, Washington DC. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2453593.
- Shambaugh, David (2013) "Assessing the US 'Pivot' to Asia", Strategic Studies 7(2), pp. 10-19.
- Sokolsky, Richard D. (2003) The United States and the Persian Gulf Reshaping Security Strategy for the Post-Containment Era, NATIONAL DEFENSE UNIVERSITY PRESS WASHINGTON, D.C.
- Stansfield, Gareth and Kelly, Saul (2013) "A Return to East of Suez? UK Military Deployment to the Persian Gulf", RUSI Paper, available at: https://rusi.org/system/files/East_of_Suez_Return_042013.pdf
- Trip, Charles (2000) A History of Iraq, Cambridge University Press, United Kingdom.
- UK Department of Trade and Investment (2014) available at: <https://www.gov.uk/government/world/organisations/uk-trade-investment-united-arab-emirates>
- UK Security Service (MI5) (2014) 'What are the greatest threats to the UK's security?', available at: <https://www.mi5.gov.uk>
- Vreeker, R., (2008) Sustainable Urban Development Vol. 3: The Toolkit for Assessment, This Edition Published in the Taylor & Francis e-Library.
- www.gov.uk/government/news/pm-meeting-with-the-king-of-bahrain-26-october-2016
- www.gov.uk/government/speeches/foreign-secretary-speech-britain-is-back-east-of-suez